

میلاذ حضرت امام حسن عسگری (ع)
مبارک باد

پیوند پایدار ۱۴

فرزندان هم مانند
پدران به صنعت نفت
عشق می‌ورزند



بهداشت و سلامت ۱۲

زخم معده
زخم روده
و راه‌های درمان



زندگی

سالروز وفات حضرت معصومه (س)
تسلیت باد

گزارش ۷

پانزدهمین اردوی
زیارتی سیاحتی
ایثارگران



گزارش ۳

بازنشستگان
سرزمین نفت
خانه نو مبارک!



سال ششم - شماره ۱۳۲ - نیمه اول اسفندماه ۱۳۹۰

zendegie.no@gmail.com

نشریه ویژه بازنشستگان صنعت نفت

از خروش بازار می‌رسد به گوش نغمه بهار



نمایی از سبزه میدان تهران / ۱۳۹۰

عکس از: مهناز سلیمانی

یادداشت

نیازسنجی مخاطبان رویکرد اصلی صندوق‌ها

بر پایه یک داوری منصفانه، به روشنی می‌توان دلایل و چرایی عمق نفوذ تأثیر گذاری خدمات بیمه‌ای و حمایتی نزد مخاطبان صندوق‌های بازنشستگی را دریافت و باور کرد. ویژگی چنین کارکردی در طول همه‌ی سال‌های حیات صندوق، بی‌گمان چیزی نبوده است و نیست، مگر آمیزه عقلانی و منطقی تشریفات و مقررات اداری و رفتارهای بوروکراتیک با راهکارهای عملی پاسخگویی به نیاز مخاطبان. به دیگر بیان، در چارچوب برنامه توسعه سازمانی در صندوق‌ها، رویکرد اجرایی، پیش از آن که معطوف به تشریفات صرفاً اداری مبتنی بر قوانین و مقررات خشک و غیرقابل انعطاف باشد، متوجه تنظیم و گسترش روابط انسانی منصفانه، مهرآمیز و دوستانه بین مسوولان و متولیان امور اجرایی با مخاطبان صندوق‌ها از یک سو و بین اعضای صندوق‌ها با یکدیگر، از سوی دیگر است.

توسعه و تجهیز دفاتر نمایندگی که در سال‌های اخیر، از شتاب چشمگیری در سطح کشور برخوردار بوده، مصداق بارزی در این زمینه است. مدیران صندوق‌ها آگاهند که برای خدمت‌رسانی هرچه مطلوب‌تر، نیازمند چه امکانات و چه ابزارهایی هستند. امکانات و ابزارهایی که معاون امور بازنشستگی صندوق‌ها، آن‌ها را در سه بخش دسته‌بندی و ارایه می‌کند: «تدوین قوانین و مقررات مناسب»، «تأمین نیروی انسانی کارآمد» و «تدارک تشکیلات اجرایی مناسب». این هر سه، پیش‌نیاز تحقق اهداف سازمانی است و در گام نخست، طرح توسعه دفاتر نمایندگی است که چنین مأموریتی را قرین موفقیت می‌کند. اجرای طرح توسعه دفاتر نمایندگی صندوق بازنشستگی نفت در خوزستان و رویکرد ویژه مدیریت صندوق‌ها به چنین طرحی آن هم در منطقه‌ای با تراکم جمعیتی بالا، در همین راستاست که تازه‌ترین مورد آن، گشایش ساختمان جدید نمایندگی اهواز است. رییس صندوق‌ها با تأکید بر اهمیت آموزش در افزایش کیفی خدمات، تأمین رضایتمندی بازنشستگان و اعضای زیر پوشش صندوق‌ها را بر همه‌ی دست‌اندرکاران و متولیان امور برنامه‌ریزی و اجرایی، فرض می‌داند و می‌گوید: «ما مفتخر به خدمات‌رسانی به خانواده‌های بازنشسته و بازمانده هستیم و باید در مناطقی که این عزیزان سکونت دارند حضور پیدا کنیم، درد دل‌ها را از نزدیک بشنویم و به اجابت خواسته‌ها بپردازیم.» این همه، رمز و راز موفقیت سازمانی است که صرفاً در پی تحقق مأموریت اداری نیست. پیوند مدیران و مسوولان صندوق‌های بازنشستگی با مخاطبان‌شان از جنس دیگری است. دوام و بقای چنین پیوندی، بی‌گمان خواسته و انتظاری همگانی است.



از بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه مورخ ۹/۱۱/۱۴

هرچه حضور در انتخابات بیشتر و پای صندوق‌های رای شلوغ‌تر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت و مصونیت کشور بالا می‌رود.

برگی از تاریخ

«سرکان» و «مالکوه» در آستانه ۴۵ سالگی

فرشید خدادادیان



تا همین چند سال پیش و قبل از اینکه شهرستان پلدختر و مناطق همجوار با احداث اتوبان جدید خرم‌آباد به اندیشک از مسیر عبور و مرور به خوزستان خارج شود؛ مسافران مسیر خوزستان در نزدیکی پلدختر با شعله بلندی در چشم انداز کوه‌های اطراف روبه‌رو می‌شدند که فضای پیرامون را روشن می‌کرد. جلوتر که می‌رفتی تابلویی فلزی را سمت چپ جاده می‌دید که روی آن نوشته شده بود "واحد بهره‌برداری سرکان و مالکوه". سرکان و ماله کوه همان گونه که از نام دومی مشهود است؛ جزء مناطق کوهستانی لرستان محسوب می‌شود و سابقه اکتشاف و بهره‌برداری نفت

از آن به سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ خورشیدی باز می‌گردد. هرچند ساکنان محلی از دیرباز با تصاعد طبیعی گاز و نفت از خلل و فرج کوه‌ها و تپه‌های منطقه آشنایی داشتند.

نخستین بار غروب یک روز تابستانی در سال ۱۳۴۶ خورشیدی بود که در روستاهای منطقه از "جلگه خلیج" تا "بادامک" و "سراب رجب" این شایعه پیچید که چوپانان در اطراف "ماله کوه" چند سوار اجنبی را دیده بودند که با یک همراه ایرانی و چند سرباز ژاندارمری در حال گشت زنی در منطقه بوده و از جمله به شعله‌های طبیعی گاز در کوهپایه ماله کوه نیز نزدیک شده بودند.

کمتر از یکسال بعد ماشین‌الات صنعتی کمپانی به ماله کوه آمد و به استخدام نیروی کار از طوایف پایی و بیراوند و کمالوند و غیره اقدام نمود تا لرستان علاوه بر کشاورزی و دامداری و آثار مفرغی باستانی؛ شاهد حضور صنعت نیز باشد.

حفاری در منطقه سختی‌های خاص خود را داشت اما پس از نزدیک به شصت سال تجربه کاری؛ صنعت نفت به آن درجه از توانمندی رسیده بود که حفاری در این منطقه در مدتی کوتاه‌تر نسبت به موارد مشابه قبلی به نتیجه برسد.

تولید نفت از "ماله کوه" نوید بخش رونق اقتصادی نسبی برای ساکنان محلی و افزایش تولید برای متولیان صنعت نفت بود. جوانان لرستانی دیگر مجبور نبودند برای کار در نفت به خوزستان مهاجرت کنند و حفاران که اصالت‌شان به آن منطقه بر می‌گشت، آرزو می‌کردند دکل‌شان به منطقه اعزام شود.

توسعه فعالیت صنعت نفت گام بعدی بود. دیماه ۱۳۴۸ نشریه داخلی "نامه صنعت نفت" در ستون گزارش خود به موضوع کشف نفت در منطقه سرکان لرستان و از چاهی در پانزده کیلومتری شمال شرقی ماله

کوه اشاره کرد و نوشت:

"نفت این چاه مانند نفت منطقه ماله کوه در منبع بنگستان جای دارد و وزن مخصوص (API) آن به میزان عالی و محتوی گوگرد به میزان کم است."

"نامه صنعت نفت" در گزارش مذکور همچنین به انجام آزمایش‌ها در عمق ۴۶۵۵ و ۵۲۵۰ فوتی اشاره و پیش‌بینی کرده با تزریق مواد اسیدی روزانه ۱۷ هزار بشکه نفت به بهره‌برداری خواهد رسید.

این نشریه همچنین تشخیص کل میزان و حدود این منبع را که در منطقه سخت کوهستانی قرار دارد، موکول به ادامه عملیات حفاری کرده بود.

پیش‌بینی که خیلی زود به وقوع پیوست و بهره‌برداری نفت از چاه سرکان نیز آغاز شد.

پس از اطمینان از تولید نفت این بار بحث ایجاد واحد بهره‌برداری و خطوط انتقال مطرح شد.

فاصله تا نزدیک‌ترین پالایشگاه بررسی و سرانجام تصمیم گرفته شد نفت منطقه سرکان و مالکوه به جای جنوب، راهی غرب و کرمانشاه شود.

امروزه؛ واحد بهره‌برداری سرکان / ماله کوه در فاصله ۱۵ کیلومتری شهرستان پلدختر استان لرستان با ظرفیت اسمی بیش از ۳۰ هزار بشکه در روز؛ نفت تولیدی فرآوری شده را پس از شیرین‌سازی از طریق یک خط لوله ۱۰ اینچ و به طول ۲۱ کیلومتر به تلمبه‌خانه "افرینه" و در آخر به پالایشگاه کرمانشاه ارسال می‌کند.

تاسیساتی در آستانه ۴۵ سالگی و به یادگار مانده از صنعت‌مدانی که بسیاری از آنان خوشبختانه در قید حیات هستند و دوران بازنشستگی را می‌گذرانند، رویداد‌های متعددی از روزهای نخست بهره‌برداری تا پیروزی انقلاب و جنگ و دوران پس از آن را در خاطر دارد.

هدایت کردند. بامداد پنجشنبه، باران شبانه شدید اهواز فروکش کرد و در آسمان نیمه ابری، نسیمی ملایم در هوایی لطیف وزیدن گرفت. آقای حاجی صادق در حالی که آقایان: قهاری، فراست، اکبری، عبدالعزیزی و خانم‌ها عزیزبان و محمودی وی را همراهی می‌کردند در محل سکونت خانم نصرت اروج‌نژاد بازمانده زنده‌یاد ابراهیم قبه‌ای حضور یافتند و به حکایت غمبار مادری دلسوخته با دو پسر تن سوخته و افسرده گوش فرا دادند.

بی‌درنگ پس از ورود آقای حاجی صادق و همراهان به محوطه دفتر نمایندگی، آیین گشایش این مجموعه اداری-رفاهی ۸۰۰ متر مربعی که از بخش‌های اداری، تالار اجتماعات، سالن کنفرانس و امکانات و تجهیزات دیگر تشکیل شده برگزار شد و سپس حاضران در تالار اجتماعات گرد آمدند و به سخنان رییس صندوق‌ها و آقایان: قهاری، عبدالعزیزی، اکبری و شیرازی گوش فرا دادند. بعد از ظهر پنجشنبه برنامه دیدار و گفت‌وگو با سه خانواده بازنشسته و بازمانده به اجرا درآمد و رییس صندوق‌ها و هیأت همراه بی‌آن که فرصتی برای تازه کردن دیدار با اهواز و اهوازی‌ها و گشتی در شهر یافته باشند راهی فرودگاه شدند. هنگام بالا رفتن از پلکان هواپیما، صدایی آشنا توجهم را جلب کرد، و دستی که مجموعه اشعار آشنای حمید مصدق را در خود می‌فشرد.

شیشه پنجره را باران شست از دل من اما چه کسی نقش تو را خواهد شست...
سفر رییس، معاونان و مدیران صندوق به اهواز برای افتتاح دفتر نمایندگی امور بازنشستگی، ساعت ۹/۴۰ شب با پرواز جت بوئینگ شرکت کیش ایر بر فراز آسمان ابری و بارانی تهران آغاز شد.
در طول این پرواز ۷۰ دقیقه‌ای، قطره‌های باران شیشه پنجره هواپیما را شست و گونه‌های دختر جوان بغل‌دستی من نیز در حالی که کتاب دو منظومه زنده‌یاد حمید مصدق را می‌خواند، بارانی شد.

دخترک سرگرم برشمردن سجایای اخلاقی پدر بزرگ تازه مرحومش بود که یکباره سامانه‌ای باران‌زا از راه رسید و تکان‌های شدید هواپیما آغاز شد و همه مسافران از جمله مهمانداران را تکان داد و روی صندلی‌ها می‌خکوب کرد...

داشتیم از پلکان خیس پایین می‌رفتیم که موبایل دخترک زنگ زد. مادرش بود. دخترک گفت: تازه داشتیم بر ترسم غلبه می‌کردم. دیگه سوار هواپیما نمی‌شم، مگه از جونم سیر شدم. دیگه سوار نمی‌شم...

در فرودگاه اهواز آقایان خدادوست، شیرازی و کیانی و خانم محمودی از رییس صندوق‌ها و مدیران همراه استقبال و میهمانان را به هتل اکسین

باحضور رییس صندوق‌ها در اهواز دفتر نمایندگی جدید خوزستان گشایش یافت

بازنشستگان سرزمین نفت، خانه نو مبارک!

عضویت نداشته‌اند می‌توانند به عنوان عضو جدید به این صندوق بپیوندند.

به گفته رییس صندوق‌ها، موضوع افزایش ۳۰ تا ۵۰ درصدی بعضی از وام‌ها در دستور کار هیأت رییس صندوق بازنشستگی قرار گرفته که پرداخت وام ودیعه مسکن به همکاران بازنشسته‌ای که وام مسکن دریافت نکرده‌اند از آن جمله است.

آقای حاجی صادق همچنین نوید داد موضوع اعزام بیمار و همراه در هیأت مدیره شرکت ملی نفت مطرح شده و به احتمال زیاد از ابتدای سال ۹۱ شاهد تحول مورد انتظار در این بخش خواهیم بود.

رییس صندوق‌ها در پایان از همه همکاران خود در صندوق به ویژه کارکنان حوزه‌ها و دفاتر نمایندگی و به طور خاص همکارانی که در احداث بنای دفتر نمایندگی امور بازنشستگی در اهواز همکاری و مشارکت کردند تشکر کرد.

افق، روشن است

معاون امور بازنشستگی صندوق‌ها نقش سه عامل مهم و مؤثر را در تحقق اهداف سازمانی مورد تأکید قرارداد و گفت: مقررات مناسب، نیروی انسانی کارآمد و تشکیلات متناسب با وظایف و مأموریت‌های سازمان از عوامل مهم دستیابی یک مجموعه به اهداف آن به شمار می‌آیند.

آقای قهاری خاطر نشان کرد خانواده‌های بازنشسته و بازمانده خوزستانی همچون دیگر اعضای خانواده بزرگ بازنشستگان صنعت نفت شایسته استفاده از بهترین خدمات و بیشترین امکانات هستند و احداث ساختمان جدید که ساعتی پیش افتتاح شد، همسو با این رویکرد مثبت و سازنده بوده است. وی یادآور شد:

تحولات چشمگیری در دوران مدیریت جدید صندوق به وقوع پیوسته و افق آینده نیز روشن است. شما خواسته‌های خانواده‌ها را همراه با نظر کارشناسی به ما در تهران منعکس می‌کنید و زمینه خدمت‌رسانی مطلوب و آسان را آن‌گونه که شأن



رییس صندوق‌ها:

«دیروز آبادان، امروز اهواز، فردا امیدیه و ماهشهر - مکان مناسب از مقدمات خدمت‌رسانی به بازنشستگان و بازماندگان است - آموزش از مهمترین عوامل افزایش کیفی خدمات است»

سطح دانش و تخصص همکاران افزایش ملموس خواهد یافت. هدف همه این برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌ها، افزایش کیفی و کمی خدماتی است که به خانواده‌های بازنشسته و بازمانده ارایه می‌شود و رضایتمندی آنان را در پی خواهد داشت.

اخبار خوش

آقای حاجی صادق در پایان از امضای توافقنامه همکاری بین صندوق شهید تندگویان و صندوق بازنشستگی خبر داد و گفت براساس این توافق، همکارانی که سال گذشته به افتخار بازنشستگی نایل آمدند می‌توانند، همچنان در عضویت این صندوق باقی بمانند. از تاریخ ۹۱/۱/۱ نیز همکاران بازنشسته‌ای که در صندوق عضو بودند، می‌توانند بار دیگر به عضویت این صندوق درآیند. همچنین همکاران بازنشسته‌ای که در صندوق یاد شده

را جدی بگیرند. حقیقت این است که برای افزایش کیفی خدمات، به نیروهای نیاز داریم که خدمات مورد نظر را متناسب با اهداف سازمان و جایگاه و منزلت مخاطبان ارایه کنند.

آقای حاجی صادق «آموزش» را از مهم‌ترین عوامل افزایش کیفی خدمات دانست و گفت زمینه‌های آموزشی باید همواره در سازمان وجود داشته باشد و به همکاران کمک کند متناسب با انتظارات موجود، به وظایف و مأموریت‌های خود عمل کنند.

رییس صندوق‌ها در ادامه از برنامه‌ریزی آموزشی برای همکاران حوزه‌ها و دفاتر نمایندگی یاد کرد و گفت:

این‌جا به مرکز آموزش منطقه‌ای دفاتر نمایندگی بدل خواهد شد. استادان تدریس خواهند کرد و

توسعه کیفی خدمات

«جنگ تحمیلی و شرایط ویژه دیگر در سه دهه گذشته، حضور بیشتر و مؤثرتر مسؤولان صندوق را در استان زرخیز و قهرمان پرور خوزستان ایجاب می‌کند. نخستین طرح توسعه دفاتر نمایندگی امور بازنشستگی نفت در آبادان به اجرا درآمد، در حال حاضر مراسم گشایش دفتر نمایندگی اهواز را برگزار می‌کنیم و در آینده نزدیک نیز شاهد تحولی دیگر از این دست، در این استان و در امیدیه و ماهشهر خواهیم بود.

استان خوزستان از منظر صندوق بازنشستگی نفت از جمله قطب‌های جمعیتی مهم است و به همین دلیل مدیریت صندوق نیز نگاه و رویکردی ویژه به این استان دارد.»

رییس صندوق‌ها با این مقدمه، در جمع حاضران در آیین گشایش دفتر نمایندگی جدید امور بازنشستگی در اهواز سخنانی ایراد کرد و گفت: ما مفتخر به خدمت‌رسانی به خانواده‌های بازنشسته و بازمانده هستیم و باید در مناطقی که این عزیزان سکونت دارند حاضر شویم و درددل‌هایشان را بشنویم و خواسته‌هایشان را اجابت کنیم.

ارایه خدمت به مردم، مقدمات و الزاماتی دارد و برخورداری از مکان مناسب، یکی از مقدمات خدمت‌رسانی به بازنشستگان و بازماندگان است. دومین ضرورت، نیروی متخصص، متعهد و کارآمد است که خوشبختانه از چند سال پیش با توجه به نیازها، در کانون توجه مدیریت صندوق قرار گرفته و نیروی انسانی متناسب جذب شده است.

آقای حاجی صادق در بخشی دیگر، توسعه بهره‌وری نیروی انسانی را در بین همکاران و کارکنان حوزه‌ها و دفاتر نمایندگی مورد تأکید قرار داد و گفت: توسعه کمی، حد و مرز مشخص و محدودی دارد و به همین دلیل توسعه کیفی خدمات دارای اهمیت فراوان است. از همه همکاران در دفاتر نمایندگی انتظار داریم موضوع توسعه نیروی انسانی



نبودن نشانی اقامت، از امکانات و تسهیلات صندوق بی بهره هستند. یادآوری می‌کنم نزدیک به ۳/۵ درصد همکاران بازنشسته از امکانات موجود به طور مضاعف بهره‌مند شده‌اند! حدود ۱۰ درصد بازنشستگان اهوازی از تورهای گردشگری استفاده کرده‌اند، این رقم در آبادان ۲۴ درصد، در ماهشهر ۴۲۰ نفر، در امیدیه ۱۲۵ نفر و در بهبهان ۸۹ نفر است.

آقای شیرازی در پایان از اعتماد و حمایت مدیران و مسؤولان صندوق تشکر کرد.

دست در دست هم نهیم به مهر...

آقای عبدالعزیزی که مثل همیشه آغازگر برنامه بود، همزمانی شروع دوران ولایت حضرت ولی عصر «عج» و فرارسیدن ایام... دهه فجر را با گشایش دفتر جدید نمایندگی امور بازنشستگی به فال نیک گرفت و گفت: ساخت و تجهیز این دفتر، حاصل همدلی و همکاری گروهی از خدمتگزاران است که دست به دست هم دادند و آرزویی بزرگ در مسیر رفاه بیشتر و تسهیل امور پیشکسوتان نفت را در سرزمین نفت تحقق بخشیدند.

مشاور رییس هیأت ریسه صندوق، آقای شیرازی را همکاری خوش فکر، محبوب و مدیری فهیم و مدبر خواند و ابراز امیدواری کرد با حضور مدیری دلسوز و شایسته در رأس حوزه خوزستان، گام‌های ارزنده‌تری در مسیر افزایش رفاه و توجه بیشتر به خانواده‌های بازنشسته خوزستان برداشته شود و بار سنگین معیشت تا حدودی سبک گردد.

ارومیه بعد از آن قرار دارند. وی در ادامه گزارش مشروح خود، به ارایه آماری پرداخت که حاصل پژوهشی همه جانبه در زمینه فعالیت‌های حوزه تحت مسوولیت خود بود.

خواسته‌های بازنشستگان

نزدیک به ۳۸ درصد بازنشستگان و بازماندگان خوزستانی خواهان دریافت وام هستند و دومین درخواست مربوط به بیکاری فرزندان است. یادآوری می‌کنم در مسجدسلیمان حتی یک فرزند ذکور بازنشسته با مدرک لیسانس برای کار به دفتر نمایندگی مراجعه نکرده چرا که سطح تحصیلات در این شهر پایین است.

در مواردی هم دانش و تخصص بیش از حد نیاز سبب شده از خدمات بعضی افراد استفاده به عمل نیاید. اعزام بیمار و همراه در مرحله سوم قرار دارد و پس از آن استفاده از تسهیلات گوناگون

آقای قهرای:
به اهواز آمدم تا شادی‌مان را با شما قسمت کنیم

آقای اکبری:
برای ارایه خدمات مؤثر و مفید، به سه فضیلت اخلاقی نیاز داریم

آقای شیرازی:
افزایش بودجه و اعتبارات حوزه‌ها و دفاتر نمایندگی اجتناب ناپذیر است

از جمله غذای باشگاهی مطرح است. تأخیر در بازپرداخت هزینه‌های درمان، گسترش دامنه جغرافیایی تورهای گردشگری و ایجاد و افزایش امکانات ورزشی از دیگر خواسته‌های بازنشستگان خوزستانی است.

بیش از ۷۷ درصد خانواده‌ها در استان، از کلیه خدمات صندوق بهره‌مند شده‌اند، چهارده درصد از نیمی از خدمات استفاده کرده‌اند و ۵ درصد نیز به دلیلی چون اقامت در خارج از استان و کشور و یا در دسترس

خانواده‌هایشان هستیم و لازم است با رعایت احترام و کرامت انسانی، خدمات مطلوب را به آنان ارایه کنیم تا در چارچوب ارتباط و تعامل انسانی، از علاقه و احترام متقابل بازنشستگان برخوردار باشیم.

PowerPoint

«کاش انتظار ۱۱۷۳ ساله سرآید و ستاره منظومه خورشیدی ولایت تاللو خود را بر جهان بشریت بیفشاند.» رییس حوزه یکم دفاتر نمایندگی امور بازنشستگی سخن خود را با این جمله آغاز کرد و در ادامه به ارایه تحلیلی جامع و مجموعه‌ای از اطلاعات در قالب یک «PowerPoint» پرداخت که از

پژوهشی دشوار در زمانی اندک حکایت داشت و از تسلط و توجه ویژه یک مدیر به ابعاد گوناگون حوزه مدیریت خود و تلاشی تکامل یافته برای شناخت بازنشستگان نفتی و نیازهای معیشتی، اجتماعی، فرهنگی و...

خانواده‌ها خبر می‌داد. آقای شیرازی گفت: جمعیت استان خوزستان چهار و نیم میلیون نفر و شمار شهرهای مهم آن که فرماندار دارند، ۴۷ شهر است. یک سوم جمعیت این استان در اهواز زندگی می‌کنند و نرخ بیکاری در این استان ۱۶ درصد است (دومین استان پس از کرمانشاه). جمعیت بازنشستگان خوزستان ۸۲۰۰ نفر و پس از تهران دارای بیشترین جمعیت بازنشستگان است و شهرهای شیراز، آبادان، اصفهان، کرج، شاهین شهر، مشهد، ماهشهر و

منزلت پیشکسوتان نفتی ایجاب می‌کند فراهم می‌آورد. ما نیز در پی آن هستیم که فرصت‌ها را مغتنم شمیریم و بکوشیم تا بهترین خدمات و امکانات در اختیار خانواده‌های بازنشسته قرار گیرد. عبارت پایانی آقای قهرای این بود: با شادی و هیجان بسیار از تهران به اهواز آمدم تا هیجانمان را فرو نشانیم و شادی‌مان را با شما قسمت کنیم.

سنگ صبور و راهگشا

مدیر امور رفاه و دفاتر نمایندگی، سخن خود را بدون مقدمه و با اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم آغاز کرد و گفت برای ارایه خدمات مفید و مؤثر

به خانواده‌های بازنشسته، لازم است از سه ویژگی و فضیلت اخلاقی برخوردار باشیم: نخست این که سینه‌ای فراخ و گشاده داشته باشیم و به سخنان، درددل‌ها و انتقادهای احتمالی مخاطبان یعنی خانواده‌های بازنشسته توجه کنیم و به تعبیری، سنگ صبور و در عین حال راهگشای آنان باشیم. دوم این که امور جاری و

کارهای روزمره را به گونه‌ای آسان و روان انجام دهیم و گره‌گشا و کارگشا باشیم. سوم این که حرف‌ها را بشنویم و منظورها و مقصودها را بفهمیم و دریابیم. آقای اکبری تصریح کرد: ساخت و تجهیز و افتتاح این دفتر نمایندگی، حکایت از این واقعیت دارد که مسؤولان سعه صدر داشته‌اند، به خواسته‌های بازنشستگان توجه کرده‌اند و در راه تحقق خواسته‌ها و احداث این بنا، همت گماشته‌اند. وی یادآور شد: همه ما کارمندان و کارگزاران همکاران بازنشسته و



همراه را دلگرم کننده و امیدآفرین خواند. یوسف عامری متولد سال ۳۵ است. وی در سال ۸۳ با ۱۷ سال سابقه کار در کسوت کارگری و ۳ سال خدمت به عنوان کارمند به افتخار بازنشستگی نایل آمد.

آقای قهرای و همراهان بودند. در این دیدار آقای عامری، مشکلات معیشتی و ناشی از ابتلای همسرش به بیماری دیابت و اختلال عصبی پسر ۲۱ ساله‌اش را برشمرد و حضور آقای قهرای و هیأت

دیدار رییس صندوق‌ها با خانواده‌ها در اهواز تکرار رسمی خوشایند

۸۳ رخ داد و منجر به درگذشت همسر ۳ فرزند دختر و همچنین سوختگی و افسردگی شدید دو فرزند پسر خانواده شد آشنا شدند.

خانواده ۱۸ نفری

رییس صندوق‌ها و همراهان در دیدار دوم، با آقای محسن مرزعاوی بازنشسته سال ۸۸ شرکت خدمات رفاهی شرکت ملی نفت در اهواز دارای ۱۶ فرزند (۱۲ دختر، ۴ پسر) دیدار و گفت‌وگو کردند و مشکلات ناشی از نگهداری دودختر معلول، نبود مسکن مناسب، اختلاف

رییس صندوق‌ها در حاشیه افتتاح دفتر نمایندگی جدید امور بازنشستگی خوزستان، با سه خانواده بازنشسته و بازمانده ساکن اهواز دیدار و گفت‌وگو کرد. سفر آقای حاجی صادق و هیأت همراه متشکل از مدیران و کارشناسان صندوق با رسم خوشایند دیدار با خانواده‌های بازنشسته و بازمانده همراه بود. آقای حاجی صادق و همراهان در دیدار نخست، با خانم نصرت اروج‌نژاد همسر زنده‌یاد ابراهیم قبه‌ای و سینا فرزند جوان وی به گفت‌وگو نشستند و با جزئیات حادثه تلخی که در سال

تودیع و معارفه در همدان



یک طی سخنانی به طرح مباحثی در زمینه انگیزه صندوق در مورد انتصاب مسؤولان جدید برای دفاتر نمایندگی، راه‌های خدمت‌رسانی مطلوب به مخاطبان و تکریم بازنشستگان از دیدگاه قرآنی پرداخته و در پایان ضمن تقدیر از زحمات آقای شاملو، برای خانم حسنی در انجام مسؤولیت تازه موفقیت آرزو کردند.

حضور مسؤولان صندوق‌ها در این مراسم، آمادگی خود را جهت استمرار همکاری با دفتر نمایندگی همدان اعلام داشت. شایان ذکر است که در آغاز مراسم و پیش از سخنان آقای قهراری، آقایان عبدالعزیزی، اکبری، رضایی، صالحی، خانم عزیزیان و یکی از بازنشستگان پیشکسوت ساکن همدان، هر

و صادقانه یاد کرد. معاون امور بازنشستگی صندوق‌ها، آغاز دوران مسؤولیت خانم حسنی را برای وی فرصتی مغتنم جهت خدمت به پیشکسوتان این شهرستان که هر یک نقشی در معماری بنای یکصد و سه ساله صنعت نفت کشور داشته‌اند، دانست و ضمن تأکید بر رسالت صندوق در خدمتگزاری به بازنشستگان، استفاده از این فرصت را برای مسؤول جدید دفتر همدان فریضه و موهبتی جهت قرب به خداوند توصیف و برای وی در عمل به این فریضه و همچنین انجام وظایف محوله موفقیت آرزو کرد.

آقای قهراری در پایان ضمن توصیه به آقای شاملو در انتقال تجربیات دوران خدمت خود و همراهی با مسؤول جدید، خواستار ادامه خدمت غیر رسمی وی به بازنشستگان این شهرستان شد. آقای شاملو نیز طی سخنانی ضمن اشاره به نحوه فعالیت‌های خود در دفتر نمایندگی همدان طی سال‌های گذشته و تشکر از

به دنبال صدور حکم سرپرست جدید دفتر نمایندگی همدان، طی مراسمی خانم حسنی به عنوان مسؤول این دفتر معرفی شد و با آقای شاملو مسؤول پیشین تودیع به عمل آمد. در این مراسم که باحضور آقایان قهراری معاون امور بازنشستگی و رفاه، اکبری مدیر امور رفاهی و دفاتر نمایندگی، عبدالعزیزی مشاور رییس هیأت ریسه، رضایی رییس حوزه پنج، صالحی رییس روابط عمومی شرکت گاز استان، خانم عزیزیان، رؤسای دفاتر نمایندگی حوزه پنج و جمعی از بازنشستگان این شهرستان برگزار شد، آقای قهراری ضمن تبریک ۱۷ ربیع، گرمی داشت دهه مبارک فجر و یوم‌اله ۲۲ بهمن، همزمانی مراسم را با این ایام به فال نیک گرفت و از حضور خود در آیین‌های ویژه همراه با مردم همدان ابراز خوشحالی کرد. آقای قهراری در بخشی دیگر از سخنان خود، ضمن تقدیر از زحمات آقای شاملو، از وی به عنوان فردی دلسوز و منشأ خدماتی بی‌شائبه

خسته نباشید

اسامی بازنشستگان دی ماه ۹۰ به شرح زیر اعلام شد. به تمامی این عزیزان که سال‌های طولانی خدمت را با موفقیت و افتخار پشت سر گذاشته‌اند خسته نباشید می‌گوییم و برایشان تندرستی، طول عمر و شادکامی آرزو می‌کنیم.

شماره کارمندی	نام و نام خانوادگی	شماره کارمندی	نام و نام خانوادگی	شماره کارمندی	نام و نام خانوادگی	شماره کارمندی	نام و نام خانوادگی
۵۲۳۴۷۰	ایرج گودرزی نیا	۶۰۷۹۶۴	قیصر قنبری	۶۱۹۳۰	اصغر خانی‌دخت		خانم‌ها
۵۲۶۷۴۶	عباس مرتضی‌پور	۶۰۸۹۰۴	جعفر کناری	۶۲۳۰۲	علیرضا نیکپی‌پور	۷۰۴۵۹	عصمت معتمدی سده
۵۳۱۷۱۹	حسین پناهی میمند	۶۰۸۹۷۴	حیات‌علی طاهری	۶۳۵۲۹	محمدحسین احمد بهبهانی	۷۳۴۴۵	نصرت پنجشنبه‌زاده
۵۳۵۹۰۹	موسی رامهرمی	۶۰۹۴۱۶	غلامرضا موسی‌زاده	۶۳۶۲۶	احمد دینانی	۷۴۷۱۹	زهره شریف
۵۴۲۴۹۴	حیدر داودی	۶۱۱۰۵۱	دوستعلی امیری	۶۴۵۶۳	علی سیاح‌پور	۶۵۱۶۲۸	اعظم پهلوانی افشار
۵۴۴۸۸۸	محمدمراد بربره	۶۱۴۳۹۹	ناصر کاظمی	۶۵۴۰۱	مجتبی حاجی حسین‌خانی	۵۱۳۷۸۱	زهره احمدی‌نژاد
۶۰۰۷۵۵	غلامحسین رنجبر	۶۳۹۹۹۳	علمدار زیبا	۶۵۵۵۱	محمد باورصاد چشمه‌علی	۶۵۸۹۲۲	شهلا طاهری بروجنی
۶۰۱۶۱۳	غلامعباس میرکائید	۶۵۰۱۴۰	محمود محمدی	۶۶۰۳۱	مرتضی ملاحسنی مجدآبادی کهنه	۶۶۴۳۴۸	مریم برزنده
۶۰۱۶۱۸	عبدالرضا اصلاح	۶۵۱۴۶۲	رضا معمار	۶۶۰۳۴	محمد ناصر ذکاتی	۶۶۷۹۸۴	فرزانه محمدیان
۶۰۲۸۵۴	رمضان کیکاوسی شیرزاد	۶۵۱۷۷۴	ابوالفضل رضائیان رامشه	۶۶۷۹۲	ناصر صالح	۶۶۸۷۳۴	مهین علی‌پور
۶۰۲۸۹۹	اسفندیار پورعلی کزنی	۶۵۲۱۹۸	علی صابری	۶۶۹۸۲	همایون شایگان		آقایان
۶۰۴۳۷۲	غلامرضا عبدالله‌زاده	۶۵۲۳۴۷	سیدمحمد بدیع‌الزمانی	۶۷۰۱۱	عبدالمجید شریفی	۶۶۵۷۵۲	کمال توکل
۶۰۴۷۵۷	ابراهیم گویا	۶۵۲۳۹۴	لطفاله قدمی	۶۸۲۱۰	منصور سرقلی	۵۷۴۸۷	محمد رضا دارابی گودرزی
۶۰۴۹۰۱	نعمت‌اله بوالی‌زاده	۶۵۴۳۰۵	غلامحسین آقائی	۶۸۵۵۶	پرویز جعفری	۵۸۲۲۸	حبیب جعفری
۶۰۵۶۰۵	حسین لرکی‌پور	۶۵۴۶۶۳	محمدهادی بیات‌پور	۷۰۹۱۳	حسین یاراحمدی	۵۸۲۶۳	عبدالرضا شعبانی‌نژاد
۶۰۵۹۴۶	غلامحسین محمدی بابادی	۶۵۶۰۱۱	پرویز نصیری‌یزدی	۷۱۰۸۷	مسعود سلیمانی	۵۸۵۳۲	محمدرضا شقائی
۶۰۷۰۵۵	حبیب قادریان‌زاده	۶۵۶۰۲۵	داریوش خلیل‌زاده	۷۱۲۸۶	عبداللهی سواریان	۵۸۶۷۸	محمود دانش‌پسند
۶۵۸۷۸۴	عبدالرسول حیدریان	۶۵۶۲۲۸	محمدرضا سلیمانی‌مجد	۷۳۰۷۲	ذبیح‌اله بهرامی	۵۸۸۶۰	عباس منظمیان
۶۶۰۹۱۶	حسین رضائی	۶۵۶۴۸۷	علیرضا محمدزاده	۷۴۶۸۶	محمدمسعود حکمی کرمانی	۵۸۹۰۱	صفرعلی مقصودی دربه
۶۶۱۰۵۲	محمدحسین میان‌آبی	۶۵۶۹۵۱	شهرام مطهری	۷۴۹۵۰	محمود جمشیدیان تهرانی	۵۹۵۳۶	اولاد اسفندیار
۶۶۱۹۰۳	محمد افزند	۶۵۷۰۶۷	ابراهیم پورفرخ	۷۶۳۱۳	نورمحمد امیری بختیاری	۵۹۱۱۹	علی شهرابیان
۶۶۲۸۹۱	مهدی جوادی‌نژاد	۶۵۷۵۵۱	ابوالقاسم رضایی	۷۶۳۸۴	محمدباقر فرشیدنسب	۶۰۰۵۷	علیرضا پورامراهی شریف‌آباد
۶۶۴۰۱۸	علی آقا حاج‌آقا محمدزاده	۶۵۸۶۲۰	عبدالحسین جمال‌الدینی	۷۶۴۷۴	حسین دغاغله	۶۰۶۶۷	علی اکبر جعفریان
۶۶۵۲۵۴	محمدابراهیم مهدیقلی	۵۱۵۲۵۲	صدراله نصیری	۷۷۹۳۴	مهدیقلی میرزایی	۶۱۰۹۸	رسول شقایق‌فرد
۶۶۵۵۳۳	ایرج محمدی تلف‌گردی	۵۱۶۰۷۰	موسی گندمکار	۷۸۸۵۱	صادق شویلی	۶۱۴۰۸	حاتم بن رشید
۶۷۱۷۷۷	پهروز نظری‌نژاد	۵۱۶۷۷۸	اسماعیل بحرانی‌دشتی	۸۶۵۴۶	محمدرضا قمی	۶۱۵۹۶	محمود نجارزاده
۶۸۶۱۹	سید اسماعیل اشرفیان	۵۱۷۶۱۷	غضنفر رزازی‌بروجنی	۵۰۸۸۱۹	عاشور کریمی‌پور	۶۱۶۰۵	عبداله هاشمی‌پور
۵۹۱۴۰	ناصر مؤمنی	۵۱۷۹۸۰	حسین فتاحی‌زانیانی	۵۰۸۹۶۳	حجت‌اله شهری نوگرانی	۶۱۶۰۹	محمدرضا دباغ
۶۸۶۱۹	سید اسماعیل اشرفیان	۵۲۱۰۰۹	نصرت‌اله نورائی	۵۱۳۰۱۳	عزیزقلی راکی		



چشم‌ها را باید شست چرا نگاهمان به پدیده سالمندی شفاف نیست؟

□ علی صالحی - بخش پژوهش و مطالعات اجتماعی «زندگی نو»

چندی پیش همراه گروهی از دوستان و آشنایان به سفری دسته‌جمعی رفتیم. در میان ما از نوجوان ۱۳ ساله تا سالمندانی ۷۰-۶۰ ساله و حتی بالاتر وجود داشتند. یکی دو تن از همسفران، پیش از رفتن به این سفر تفریحی و ورزشی پذیرفتند مسؤلیت راهنمایی و تدارکات افراد را برعهده بگیرند.

آن‌ها که سن و سال‌شان به مرز میانسالی نزدیک بود و از توان جسمی لازم و اطلاعات کافی از طول مسیر برخوردار بودند، به هر یک از همسفران مسؤلیتی متناسب با شرایط جسمی و سن و سال آن‌ها سپردند و رهنمودهای لازم را نیز ارائه دادند اما پیش از این که به راه افتیم خطاب به افراد سالمند گروه با تأکید خاطر نشان ساختند «شما فقط سعی کنید از گروه عقب نمانید و راه را گم نکنید که خدای ناکرده دچار عواقب بدی خواهید شد.»

یکی از افراد سالمند گفت: «چرا به ما هم مانند دیگران کاری را محول نمی‌کنید و افرادی مزاحم و سربرای تلقی‌مان می‌کنید؟»

سردسته در پاسخ گفت: «خودتان بگویید از عهده چه مسؤلیتی برمی‌آید تا آن را به شما واگذار کنیم.» در این شرایط سالمندان دیگر نیز لب به سخن گشودند و هم زبان با هم سن و سال خود در پاسخ به اظهارات سردسته گروه گفتند: از ما دست کم پخت و پز و تقسیم غذا و توزیع خوراکی‌ها به افراد گروه و ... بر می‌آید.

سالمندی دیگر پا را فراتر نهاد و گفت: «چرا شما مسؤلیت راهنمایی یک گروه کوچک از همسفران را به یکی از ما که تجاربی نیز در این گونه سفرها داریم نمی‌سپارید؟»

و دیگری گفت: «ما می‌توانیم به افراد گروه تذکر دهیم که در چه نقاطی چگونه قدم بردارند و حرکت کنند.»

یکی از سردسته‌ها که از نظر سن و سال بزرگ‌تر به نظر می‌رسید گفت: «شما حواس درست و حسابی ندارید و اگر مسؤلیت پخت و پز به شما واگذار شود ممکن است باعث ایجاد مشکل برای افراد گروه شوید.»

یکی از افراد گروه برای جلوگیری از ایجاد کدورت و دلخوری آن

هم در ابتدای سفر، میانه را گرفت و خطاب به سردسته‌ها گفت: «نگاه شما به پیری و سالمندی برابر با از کارافتادگی و بی‌ثمری و پاسخ شما به سالمندان باعث شرم و خجالت تمام افراد گروه شده است.»

پس از گذشت یکی دو ساعت راهپیمایی و هنگام صرف غذا که اوضاع کمی عادی و آرام شده بود و به نظر می‌رسید سردسته‌های گروه پی به حرف‌های نادرست خود برده و شرم‌منده شده‌اند، یکی از سالمندان با خوشرویی و لحنی سرشار از مهر و عطوفت، خطاب به دو سردسته گفت: «فرزندان من شما مقصر نیستید. نگاه شما به سالمندان متأثر از دیدگاه‌های جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنید. این طرز تلقی و نگاه به سالمندی و سالمندان باعث شکوه و گلايه تمام هم سن و سال‌های ما در جامعه شده است.»

و در ادامه گفت: «تصورات رایج در جامعه نسبت به سالمندان دقیقاً عین تصورات شماست. بیشتر مردم فکر می‌کنند فردی که پا به دوران سالمندی می‌گذارد، فراموشی به سراغش می‌آید و موجود

بی‌ثمر و بی‌فایده‌ای است که حتی نمی‌تواند از خودش مواظبت و مراقبت کند. نه پسر، این طور نیست. این تصویری است نادرست و مربوط به گذشته.»

یکی از افراد گروه که دکتر روانپزشک بود گفت: «تصورات قالبی در مورد سالمندان که در میان برخی مردم در بیشتر جوامع رایج است، پایه و اساس علمی ندارد. بدون هیچ بررسی و ارزیابی از توانایی افراد برای ادامه فعالیت، به محض رسیدن به سن ۶۵ سالگی، فرد را بازنشسته می‌کنند. این نوع برداشت

از سالمندان و بازنشستگان بیشترین لطمه روانی و جسمی را به آنان وارد می‌سازد و آثار و پی‌آمدهای آن بسیار فراتر از فرایند پیری و شرایطی است که خواه ناخواه گریبانگیر افراد در سنین بالا می‌شود.»

وی ادامه داد: «یکی از مشکلات دیگر سالمندان تلقی مردم از سالمندی و یا به عبارت دیگر برابر دانستن پیری با ضعف و ناتوانی است تا جایی که اگر یک جوان ۱۸-۱۷ ساله هم کم‌درد بگیرد می‌گویند: «پیر شدیم دیگه!»

او خود سالمندان را نیز از چنین طرز تفکر و پیشداوری برحذر داشت و تأکید کرد سالمندان پیش از هر چیز باید باورهای خود را درست کنند. زیرا اگر هر روز با این فکر از خواب برخیزند که پیر شده‌ام و دیگر به درد نمی‌خورم، دچار افتادگی و ناتوانی و بیماری زودرس می‌شوند. چرا که با تلقین تدریجی باورش‌مان می‌شود که پیری مترادف با ناتوانی مزمن و دردناک است.

دکتر با تأکید بیشتر ادامه داد: «سالمندان نباید این نکته را فراموش کنند که همه چیز به باور ذهنی و قدرت روحی و ایمان انسان بستگی دارد.»

و افزود: «سالمندانی وجود دارند که در ۹۰ سالگی زندگی خود را به خوبی اداره می‌کنند. برای نمونه در منطقه محل سکونت ما سالمندی ۹۰ ساله است که مغازه لبنیات فروشی خود را در ۲۵ سالگی دایر کرده است. او هر بامداد در ساعت معین به مغازه می‌آید، در مغازه را به تنهایی می‌گشاید، همه اجناس را خود می‌چیند و از هوش و حواس خوبی نیز برخوردار است.»

روزی از همسر دوم این مرد که حدود ۳۵ سال پیش و پس از مرگ همسر اول با او ازدواج کرده است از شرایط زندگی در خانه پرسیدم. در پاسخ گفت: «شوهرم هنوز کولر خانه را خود سرویس و برخی اشکالات آن را رفع می‌کند.»

دکتر ادامه داد: «سالمند دیگری را می‌شناختم که تا ۱۲-۱۰ سال پیش در یکی از شهرستان‌های دور دست در کارخانه‌ای نگهبان بود و فکر می‌کنم امروز در آستانه صدسالگی است و هر روز کیلومترها راه پیاده از منزل به کارخانه می‌آید و به خانه بازمی‌گشت. در این سن و سال ورزش کوهنوردی‌اش ترک نشده بود.»

در دوران پیری، فرسودگی اندام‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است اما این امر را نباید به بیماری یا ناتوانی تعبیر کرد. سالمندان باید باور کنند که تا آخر عمر می‌توانند به خوبی زندگی‌شان را اداره کنند و چیزی به نام بازنشستگی را به مخیله خودشان راه ندهند. در واقع باید مسأله بازنشستگی و از کارافتادگی را به بوته فراموشی سپارند.

برخی عواملی که باعث نگاه یا دید منفی نسبت به سالمندی می‌شود، ریشه در فرهنگ جوامع دارد. برای مثال یکی از خانم‌های همسفر که حدود ۴۳-۴۲ سال سن داشت تعریف می‌کرد «در نزدیکی محل سکونت یک مغازه میوه‌فروشی قرار دارد که صاحب آن مردی ۵۵، ۶۰ ساله به نظر می‌رسد. هر بار که به مغازه وی برای خرید می‌روم، با لحنی محترمانه می‌پرسد: «مادر جان چه می‌خواهی؟»

خانم با دلخوری می‌پرسد: «آیا این درست است که هنوز قدم به میانسالی نگذاشته‌ایم خود را پیر تصور کرده و در مکالمات‌مان از واژه‌هایی مانند پدرجان و مادر جان استفاده کنیم؟»

پژوهش‌های تازه در مجامع علمی اروپا و آمریکا نشان داده است هر چند سالمندان گاه در انجام تکالیف ذهنی خود کند عمل می‌کنند، اما در مقابل با استفاده از تجاربی که در طول عمر و فعالیت‌های خود به دست آورده‌اند، این کندی را به نحو احسن جبران می‌کنند.

هیچ‌کس نمی‌تواند نیاز سالمندان به استقلال و احساس کفایت نزد آنان را انکار کند. اما این مسأله با رها کردن و به حال خود گذاشتن والدین سالمند و سالخورده تفاوت زیادی دارد. رها کردن سالمند

و وارد کردن او به یک زندگی کسالت‌بار در خانه‌های سالمندان امروز مبتلا به گروه کثیری از سالمندان شده است. برخی دیگر از سالمندان نیز با وجود زندگی در خانه خود، در عمل به حال خود رها شده‌اند. نگرش و نگاه منفی به سالمندان و سالمندی نیاز به فرهنگ‌سازی دارد تا مشکلات ریشه‌ای و رایج در این مورد، جای خود را به راهکارهایی نو بدهد. شاید ما گام‌های نخست را در فرهنگ‌سازی برداشته‌ایم. شاید.

خانمی که حدود ۴۳-۴۲ سال سن داشت تعریف می‌کرد «در نزدیکی محل سکونت یک مغازه میوه‌فروشی قرار دارد که صاحب آن مردی ۵۵-۶۰ ساله به نظر می‌رسد. هر بار که به مغازه وی برای خرید می‌روم، با لحنی محترمانه می‌پرسد: «مادر جان چه می‌خواهی؟»



روزانه

سرگذشت یک دوست

محمد رضا پورمحمد

من و دوستم «سوپر» دو قطره بنزین بودیم که سال‌های سال در یک تانک زندگی می‌کردیم. اخلاق ما با بقیه قطره بنزین‌ها فرق داشت. ما دوست داشتیم آن قدر درون تانک بمانیم تا بچه‌های شهر بزرگ شوند و در اتومبیل‌های آنها بسوزیم. اما دوستان ما می‌گفتند: شما غلظت تان را از دست داده‌اید، چه فرقی می‌کند که ما امروز مصرف شویم یا ۲۰ سال دیگر. یک صبح بهاری که پرتو طلایی رنگ خورشید روی تانک‌ها افتاده بود، شیر خروجی تانک را باز کردند. من دست «سوپر» را گرفتم و از آنجا دور شدیم. ناگهان «سوپر» ایستاد و با صدای بلند گفت: دوستان از جلوی شیر بروید کنار، بروید کنار، بیاید با ما زندگی کنید.

قطره بنزینی که صورت پرافروخته‌ای داشت، گفت: مثلاً اگر با شما زندگی کنیم، چه فایده‌ای دارد؟

«سوپر» گفت: اگر با ما زندگی کنید خدمت به مردم کرده‌اید.

گفت: خدمت به مردم چه فایده‌ای دارد؟

«سوپر» گفت: خداوند کسانی را که به مردم خدمت می‌کنند دوست دارد.

گفت: من اینجا نمی‌مانم و رفت.

تانک سه میلیون لیتر ظرفیت داشت و قطره‌های بنزین مثل حلقه‌های زنجیر دست به دست هم داده بودند.

من و «سوپر» از میان شان گذشتیم و از جدار بالای تانک بیرون رفتیم. رنگین کمان زیبایی مانند هلال ماه رنگ به رنگ در آسمان بود. یک سر رنگین کمان روی تانک بود و سر دیگرش میان ابرها. با «سوپر» از رنگین کمان بالا رفتیم. هر دو با شادی می‌خواندیم:

پروردگار عالم ما دوست بچه‌هاییم

پروردگار عالم ما دوست آسمانیم

تا رسیدیم نزدیک ابرها پای مان لیز خورد و افتادیم روی تانک. هر دو ناراحت شدیم. اما صدای بچه‌های مدرسه ما را از اندوه درآورد. بچه‌های آن سوی انبار نفت داخل حیاط مدرسه ایستاده بودند و یک صدا می‌خواندند:

آباد باش ای ایران!

آزاد باش ای ایران!

از ما فرزندان خود

دل شاد باشد ای ایران!

«سوپر» با صدای بلند گفت: آهای بچه‌ها، ما شما را دوست داریم، ما دو قطره بنزین هستیم. ما آن قدر درون این تانک می‌مانیم تا شما بزرگ شوید.

من گفتم: دوستم راست می‌گوید. ما دوست داریم در اتومبیل‌های شما بسوزیم. بچه‌ها برایمان دست تکان می‌دادند و هر دو خوشحال شدیم. تا رفتیم داخل تانک، صدایی گفت: آهای نفت، آهای «سوپر» شما کجا هستید، تانک را دارند خالی می‌کنند. نگاه کردم، قطره بنزینی بود که شکل اشک داشت.

گفتم: ناراحت نباشید، هر چقدر بنزین بردارند، نیم میلیون لیتر ته تانک را نمی‌توانند بردارند. ما جزو نیم میلیون لیتر خواهیم ماند.

«سوپر» صورتش را بوسید و گفت: تو چه دوست دانایی هستی. دقایقی بعد همان قطره بنزینی که شکل اشک بود، آمد و گفت: من تصمیم داشتم پیش شما بمانم ولی بهتر است از اینجا بروم. گفتیم: چرا؟!

گفت: همین الان صدای مردی را شنیدم که گفت: این تانک را کاملاً خالی کنید تا برای لایروبی آماده شود. ناگهان چیزی مرا مکید و سر از مخزن جایگاه درآورد. دور و برم را نگاه کردم، «سوپر» نبود. با خودم گفتم: خدای ناکرده بلایی سرش نیامده باشد؟! غم وجودم را گرفتم. از دست دادن دوستی مهربان و غم بردار رفتن همه‌ی آرزوهایم. وقتی از شیلنگ پمپ بنزین بیرون می‌رفتم، باک اتومبیل پر شد و افتادم زمین. گفتم: آخ سرم و تبخیر شد!

پانزدهمین اردوی زیارتی سیاحتی ایثارگران هرگز فراموش نخواهیم کرد...



آمزش طلب کردند.

خانواده‌های میهمان در سفر به نیشابور مهد شاعران و عارفان نامی ایران زمین از مقبره امامزاده محروق و آرامگاه شاعران صاحب نام عطار و خیام و همچنین مکان متبرک قدمگاه دیدار کردند.

زایران ایثارگر حرم مطهر حضرت رضا «ع» ضمن دیدار از موزه حضرت و شرکت در نشست «فیض حضور»، در برنامه سخنرانی دکتر نبی روان‌شناس و استاد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد حضور یافتند و با نکات تازه‌ای در خصوص تکریم و احترام والدین، نقش و جایگاه جوانان در جامعه و سهم خانواده‌های شهید و ایثارگر در ترویج فرهنگ معنویت و فداکاری و از خودگذشتگی آشنا شدند. خانواده‌های ایثارگر پس از دیدار از قطب‌های گردشگری و مراکز خرید مشهد مقدس به رسم هر ساله در نشست چهره به چهره با مسؤولان شرکت کردند و مشکلات و خواسته‌های خود را با رییس صندوق‌ها و آقایان: قهاری، اکبری و عبدالعزیزی در میان گذاشتند. خانواده‌های میهمان همچنین مراتب تشکر و تقدیر ویژه خود را از آقایان: تفکری، موسوی، علیزاده، رفیعیان، خانم علوی‌زاده و کارکنان زایرسرای نفت به اطلاع آقای حاجی صادق رساندند.

یکصد خانواده ایثارگر به مدت یک هفته در زایرسرای نفت مشهد مقدس میهمان صندوق‌های باز نشستگی بودند.

همزمان با سالگرد آغاز امامت حضرت ولی عصر «عج» و سی و سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، پانزدهمین اردوی زیارتی - سیاحتی خانواده‌های ایثارگر در زایرسرای شرکت ملی نفت واقع در مشهد مقدس برگزار شد. بیش از یکصد خانواده ایثارگر متشکل از ۱۴ خانواده شهید و خانواده‌های جانباز، آزاده و رزمنده از شهرهای زاهدان، اصفهان، اهواز، زنجان، بروجرد، آبادان، شاهین شهر، شهرری، کرج، شیراز، اردبیل، رشت، تبریز و... از روز چهاردهم بهمن به مدت یک هفته در زایرسرای مشهد مقدس گردهم آمدند و با هدایت آقای تفکری مدیر گروه، موسوی مسؤول گروه و خانم علوی‌زاده مددکار گروه در برنامه‌هایی که با همکاری و مشارکت مدیریت و کارکنان زایرسرای نفت پیش‌بینی شده بود شرکت کردند. خانواده‌های ایثارگری که برای نخستین بار به اردوی مشهد مقدس دعوت شده بودند در حالی که ۲۰ خانواده ایثارگر ساکن مشهد نیز آنان را همراهی می‌کردند در سفر به خطه تاریخی توس از آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی و مقبره شاعر معاصر مهدی اخوان ثالث بازدید و برای ارواح پاک پدیدآورندگان شاهنامه و منظومه زیبای «زستان» آرامش و

مسابقه بزرگ قرآن در خانه

شورای فرهنگی صندوق‌های باز نشستگی، ضمن صدور اطلاعیه‌ای از برگزاری یک دوره مسابقه «قرآن در خانه» خبر داد.

متن اطلاعیه به این شرح است:

به منظور اشاعه فرهنگ متعالی قرآن کریم و بهره‌مندی از این مانده بزرگ آسمانی که از قله‌های نور بر بشر خاکی نازل شده تا او را به کمالات عالیله انسانی برساند شورای فرهنگی صندوق‌ها

در نظر دارد با مشارکت عزیزان پیشکسوت و خانواده ارجمندشان

نسبت به برگزاری مسابقه فرهنگی جزء نهم کتاب «قرآن در خانه» اقدام نماید. همکاران بازنشسته گرامی جهت دریافت کتاب

موردنظر می‌توانند از تاریخ ۹۰/۱۲/۶ به بعد به دفاتر نمایندگی یا

کانون‌ها مراجعه نموده و پاس‌خنامه‌ها را از انتهای کتاب جدا و آن را پس از علامت‌گذاری و درج اطلاعات درخواستی حداکثر

تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۱/۱/۲۰ به همان دفتر تحویل نمایند. دفاتر نمایندگی یا کانون‌ها پاس‌خنامه‌های دریافتی به

همراه صورت اسامی آنان را در اسرع وقت به واحد روابط عمومی صندوق‌ها ارسال خواهند نمود. اسامی برندگان (هفتاد و دو نفر)

حداکثر تا روز چهارشنبه ۹۱/۲/۲۰ از طریق سامانه اطلاع‌رسانی

WWW.BAZNESHASTE.COM ، نشریه زندگی نو و همچنین دفاتر نمایندگی به اطلاع خواهد رسید.

شایان ذکر است تعداد هفتاد و دو نفر از شرکت‌کنندگانی که

بیشترین امتیاز را کسب نمایند، به عنوان برندگان مسابقه انتخاب و

جوایزی به شرح ذیل به آنان پرداخت خواهد شد.

جایزه نفر اول: مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

جایزه نفر دوم تا بیست و چهارم: هر کدام مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

جایزه نفر بیست و پنجم تا چهل و هشتم: هر کدام مبلغ ۷۵۰/۰۰۰ ریال

جایزه نفر چهل و نهم تا هفتاد و دوم: هر کدام مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال

ضمناً در پایان سال نیز دو نفر به قید قرعه از بین شرکت‌کنندگانی که طی سه مرحله از طرح، امتیاز بیشتر از ۱۹۷۵ را کسب

نمایند انتخاب و به هریک از آنان مبلغ چهار میلیون ریال کمک هزینه سفر به عتبات عالیات اهدا می‌شود. جوایز نقدی برندگان برابر امتیاز کسب شده همراه با مستمری ماهانه پرداخت می‌گردد.

در جهان سالمندان

۷۰ سالگی ایستگاه جدید بازنگستگی



از سال‌های پایانی جنگ دوم جهانی یعنی از حدود ۶۶ سال پیش، روند پیشرفت‌های علمی و صنعتی جهان، در مقایسه با دوران قبل از آن سرعت بیشتری پیدا کرده و ظرف یکی دو دهه گذشته چنان شتابی گرفته که موجب حیرت جهانیان شده است.

با پیشرفت بهداشت و درمان، میزان مرگ و میر کاهش و میانگین امید به زندگی و متوسط طول عمر در جهان افزایش یافت. هر چند نمی‌توان انکار کرد که تمام مردم جهان از این تحولات سهم عادلانه نداشته و به صورت برابر از این پیشرفت‌ها بهره‌مند نشده‌اند.

این پیشرفت‌ها همچنین موجب دگرگونی بسیاری از دیدگاه‌ها و باورهای نادرست نسبت به افراد سالمند و بازنگسته شد. اما هنوز هستند افرادی که تصور می‌کنند به محض رسیدن به سن ۶۵-۶۰ سالگی باید به گوشه‌ای خزید و از هر نوع تحرک و فعالیت دست کشید. امروزه در بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکایی مطالعاتی برای افزایش تدریجی سن بازنگستگی تا

مرز ۷۰ سالگی انجام و تصمیماتی نیز در این مورد گرفته شده است. بی‌گمان افراد ۶۰ یا ۷۰ ساله امروز قابل مقایسه با هم سن و سال‌های خود در ۴۰، ۵۰، ۶۰ سال گذشته نیستند و از توانایی‌های لازم برای اداره امور خود و حتی حضور در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و علمی برخوردارند.

کاری که نیاز به حمایت مسؤولان دارد یادگار ماندگار...

۳ سال در آموزشگاه متالورژی اصفهان برق صنعتی خواندم و یک سال هم برای ادامه تحصیلات به انگلستان اعزام شدم. پس از طی دوره برق صنعتی در دانشگاه «کاونتری» در واحدهای گوناگون صنعت نفت از جمله پتروشیمی بندر امام، پالایشگاه تهران، خطوط لوله و مخازن و پخش فرآورده‌های نفتی به کار پرداختم.

آقای تقوی کیا دارای ۳ فرزند و ۳ نوه است. تا به حال ۸۳ سوره از قرآن شامل ۳۷۵۴ آیه را مصور کرده و به سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی برای چاپ به وزارت ارشاد ارایه داده است. آقای تقوی کیا که برای به پایان بردن این پروژه، انتظار همراهی و همیاری مسؤولان را دارد، پیش از این ۳۳ سال خدمت خود در صنعت نفت را به صورت CD آموزشی در زمینه سوخت‌گیری تهیه کرده و در اختیار همکاران جوان خود قرار داده است.



«هر کسی حس و حال خودش را دارد و در زندگی، به ویژه در دوران بازنگستگی به تناسب چنین حس و حالی، صفا می‌کند. من هم با قرآن صفا می‌کنم و می‌خواهم یادگاری ماندگار از خود باقی بگذارم.»

یادگار ماندگار آقای حسن تقوی کیا، قرآن مصور چند زبانه است. هنوز حکم بازنگستگی را دریافت نکرده، کار را شروع کرده و اینک در آستانه دومین سال بازنگستگی، پیشرفتش، آن گونه که خود می‌گوید، راضی‌کننده است. آقای تقوی کیا متولد ۱۳۲۹ در تهران می‌گوید:

سال‌های دبستان را در حوالی میدان گمرک، دبیرستان را در منطقه مولوی و هنرستان را در منیریه گذراندم و پس از خدمت سربازی در ذوب آهن اصفهان، از طریق آگهی استخدام در روزنامه کیهان، به استخدام پتروشیمی ایران و ژاپن درآمد.

زن هفت‌تیرکش، متهم فراری را دستگیر کرد

دویدم. هفت تیر را به سمت «ویلیس» گرفتیم و گفتیم اگر می‌خواهی زنده بمانی از جای تکان نخور. این زن تا زمان رسیدن پلیس، برای فرار نکردن متهم، اسلحه را به سمت او گرفته و «ویلیس» را تهدید به شلیک گلوله می‌کرد. به گزارش خبرنگاری یونایتدپرس، پلیس این ایالت، «ویلیس» را به اتهام فرار از دست قانون، رانندگی بدون داشتن گواهینامه و حمل ماری‌جوآنا و کوکائین دستگیر کرد.



پلیس ایالت فلوریدا، در تعقیب متهمی فراری بود اما «ویلیس» ۲۲ ساله از دست آنان فرار کرد و وارد حیاط خانه‌ای شد. «گرانویل» که ۶۴ سال دارد به پلیس گفت: در حال تماشای تلویزیون بودم که صدای شنیدن بالگرد پلیس در آن موقع شب کنجاکوم کرد. به کنار پنجره رفتم که به طور اتفاقی «ویلیس» را در حال فرار از میان حصارهای اطراف حیاط منزل دیدم. اسلحه‌ام را برداشتم و به سمت حیاط



احمد راسخی لنگرودی

نفت و قلم

آشنایی با نام‌آوران اهل قلم در عرصه نفت



منوچهر فرمانفرمایان پدیدآورنده کتاب «خون و نفت»

اشراف‌زاده‌ای از تبار قاجار، از تحصیل‌کردگان نفت و نویسنده کتاب‌های «نفت و خون» و «از تهران تا کاراکاس». منوچهر فرمانفرمایان به عنوان سیزدهمین فرزند و هشتمین پسر عبدالحسین فرمانفرمایان در سال ۱۲۹۶ در خانواده‌ای از دودمان قاجار در پای لوزان تخت طلوس به دنیا آمد. پدرش عبدالحسین فرمانفرمایان فردی متنفذ و دارای اشرفیت سنتی ایرانی بود. وی نقش به‌سزایی در تحولات سیاسی ایران داشت. حرمش را که در هشت زن و سی و شش فرزند خلاصه می‌شد، با دست آهتین اداره می‌کرد.

در بیت پدر برخوردها تماما رسمی بود. منوچهر در ۹ سالگی همچون برادران بزرگ‌ترش عازم اروپا شد. تحصیلات ابتدایی را در بلژیک گذراند. در فرانسه دیپلم متوسطه گرفت. همان سال به انگلستان رفت و برای تحصیل در رشته مهندسی نفت وارد دانشگاه «پیرمنگام» شد. پس از پایان دوره کارشناسی مهندسی نفت به ایران بازگشت و در سال ۱۳۲۳ پس از اتمام دوره نظام وظیفه، با راهنمایی دکتر حسین پیرنیا رییس امتیازات نفت و معادن، به وزارت دارایی راه یافت و به عنوان معاون وی مشغول به کار شد. در این مسؤولیت به عنوان رابط وزارت دارایی و شرکت نفت انگلیس و ایران عمل می‌کرد.

در فروردین ماه ۱۳۲۸ به سمت مدیر کل اداره نفت، امتیازات و معادن ارتقا یافت. پنج سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۲ به عضویت هیأت مدیره کنسرسیوم نفت و هیأت بازرسان شرکت ملی نفت ایران درآمد. پاییز سال ۱۳۳۷ عضو هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران و مدیر بزرگ‌ترین اداره یعنی اداره فروش و توزیع در کشور شد. احداث چند رشته خط لوله از آبادان به تهران و از تهران به مشهد و رشت، از جمله اقدامات فرمانفرمایان در دوران مدیریت بر امور فروش و توزیع نفت بود. او از جمله کسانی بود که در شهریور ماه سال ۱۳۳۹ با شرکت در اجلاس بغداد، برای کنترل قیمت‌های جهانی نفت، در تأسیس اوپک ایفای نقش کرد. وی پس از ۱۵ سال کار در شرکت ملی نفت، به گفته خود خسته از دخالت‌های این و آن، با استعفا از عضویت در هیأت مدیره شرکت ملی نفت، طی انتصابی رسماً رییس شرکت نفت ایران و ایتالیا شد که میراث «انریکوماتی» به شمار می‌رفت. فرمانفرمایان سه سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۲ به سمت سفیر ایران در ونزویلا منصوب و راهی کاراکاس شد. انتشار کتاب «از تهران تا کاراکاس» ره‌آورد این دوران است. در سال ۱۳۵۶ پس از پایان مأموریت خود، به ایران بازگشت. آن هم در شرایطی که ادامه فعالیت‌های گذشته وی در صنعت نفت و وزارت خارجه ممکن نبود. ناگزیر مدتی خانه‌نشین شد تا این که در سال ۱۳۵۹ به کشور نفت‌خیز و وطن دوم خود ونزویلا بازگشت، در کاراکاس رحل افکند و سر خود را به اداره یک کارخانه تولید چیپس گرم کرد. وی سرانجام در سال ۱۳۸۸ در همین شهر درگذشت.

نخستین کتاب منوچهر فرمانفرمایان با عنوان: «ملاحظاتی چند درباره نفت» در سال ۱۳۳۳ و قبل از تصویب قرارداد کنسرسیوم، برای آگاهی نمایندگان دوره هفدهم مجلس شورای ملی انتشار یافت. این کتاب به گمان نویسنده، اولین کتاب نفت به زبان فارسی بود که کمتر از ۶۰ سال پیش به چاپ رسیده است. اما معروف‌ترین اثر وی، «نفت و خون» است که به دلیل استقبال مخاطبان، بیش از بیازده چاپ را به خود دیده است. وی در این اثر مکتوب که به خاطرات یک شاهزاده ایرانی تعلق دارد، زندگی خود و خاندانش را با ماجرای نفت درآمیخته و با قلمی از نوع رمان پلیسی به روایت خاطرات خود پرداخته است. «از تهران تا کاراکاس» اثر دیگری است در دو جلد حجیم، که دیده‌ها، شنیده‌ها و استنباط‌های وی را به مدد حافظه پیرامون نفت و سیاست در ایران در اختیار خواننده قرار می‌دهد. انگیزه و خاستگاه تدوین این کتاب چنان که نویسنده در مقدمه کتاب آورده است، به سخنانی از دکتر شایگان برمی‌گردد که می‌گفت: «تفاوت میان سفرای ایران در این صد سال اخیر که به لندن آمده‌اند با سفرای انگلیس که به ایران رفته‌اند در این است که تقریباً هیچ یک از سفرای ایران کتابی درباره دوران سفارت خود نوشته‌اند تا کشوری را که در آن چند سال زندگی کرده‌اند به هم‌وطنان خویش معرفی کنند. ولی هر سفری که از انگلیس به ایران آمده کتابی که در حقیقت تاریخ ایران است از خود برجای نهاده است.»

پادایام

ماجرای تعیین اضافه حقوق در پنجاه سال قبل

سید محمود ابطی - اصفهان

بر اساس یک رویه متداول، در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب، در ماه‌های پایانی هر سال کمیته‌ای به منظور تعیین میزان اضافه حقوق یا مستمری سال بعد کارکنان تشکیل و میزان اضافه مورد توافق را به مدیر عامل وقت شرکت ملی نفت پیشنهاد می‌کرد.

در سال ۱۹۶۲ و به طور دقیق ۵۰ سال پیش و در چنین ایامی، این کمیته به دستور مدیر عامل وقت تشکیل شد. پس از دو ماه بررسی و گرفتن آمار لازم و به قول بازاری‌ها «ده بر یک کردن اعداد و ارقام»، نتیجه کار در یک گزارش بیست و چند صفحه‌ای آماده و نرخ تورم (۹۷) مشخص و بر این اساس پیشنهاد شد با ۱۰ درصد اضافه حقوق موافقت شود. ظاهراً همه چیز به وفق مراد بود. چون با تورم ۹۷ درصد، پرداخت ۱۰ درصد اضافه حقوق، منطقی و عادلانه به نظر می‌آمد. اما موضوع از نظر مدیر عامل متفاوت با این پیشنهاد بود. او با خواندن گزارش از تمامی مدیران صنعت و اعضای کمیته خواست در یک جلسه مشترک شرکت کنند. در آن جلسه، مدیر امور بین‌الملل صنعت نفت که از مدیران بسیار با نفوذ بود و در جلسات هیأت مدیره همیشه حرف اول را می‌زد، به عنوان رییس کمیته پیشنهاددهنده اضافه حقوق، در مورد سرفصل گزارش توضیح مختصری داد و منتظر اعلام نظر مدیر عامل شد. مدیر عامل از یکایک افراد حاضر در جلسه خواست اگر نظری متفاوت دارند ارائه دهند. تمامی پاسخ‌ها منفی بود. چرا که اگر کسی هم نظری داشت با حضور مدیر مقتدر امور بین‌الملل جرات اظهار نداشت.

مدیر عامل با حرکات چشم و ابرو و گفتن بسیار خوب همه چیز را فهمیدم، سری به چپ و راست تکان داد، قلم فرمز را برداشت و یک ضربدر بر روی جمله پیشنهاد ۱۰ درصد کشید. چیزی هم زیر آن نوشت و به دست مدیر امور بین‌الملل داد.

مدیر امور بین‌الملل اظهار نظر را خواند و به مدیر عامل گفت شما که نظر شخصی خود را اعلام می‌کنید، چرا به کمیته مأموریت دادید؟ بعد خطاب به حاضران گفت با ۱۲ درصد موافقت شد، انشاء... مبارک است. اما باید علت مخالفت با این پیشنهاد را بدانیم.

مدیر عامل در پاسخ به او و در بیان علت مخالفت خود با پیشنهاد کمیته مذکور گفت: صبح است و کارمند شرکت لباس پوشیده تا به قصد حضور در کار از منزل خارج بشود، دختر او جلو می‌آید و می‌گوید بابا امروز روز حقوق است و من فلان چیز را می‌خواهم و جواب پدر به دختر این است که این ماه پول ما به این چیز نمی‌رسد بگذار برای ماه آینده. این کارمند با فکری آشفته و حالت عصبانی به سرکار می‌آید. کم‌کاری، بداخلاقی با مراجعان، عدم همکاری با همکاران و یا اگر فنی باشد بی‌توجهی در کار و عدم نظارت کامل بر دستگاه‌ها و... من نمی‌خواهم این وضعیت پیش بیاید. اگر کمیته ۱۲ درصد می‌نوشت من می‌نوشتیم ۱۴ درصد، کارمند شرکت باید به دور از دلهره و ناراحتی و با تمام قوا و دلگرمی به کار خود اشتغال داشته باشد.

مدیریت صنعتی از دانشکده مدیریت صنعتی از دانشکده مدیریت تهران شده است. او تا اوایل سال ۱۳۷۴ در اهواز سکونت داشته و پس از انتقال به شرکت ملی صنایع پتروشیمی، کارش را در تهران پی گرفته است. رییس خانه‌سازی شهرک نفت اهواز از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴، رییس طرح‌های ساختمانی و زیربنایی شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی ماهشهر در دوره ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ و رییس طرح‌های زیربنایی ماهشهر از جمله مسؤولیت‌های اداری و سازمانی مهندس موسوی در سال‌های پایانی خدمت او بوده است. وی سرانجام در سال ۱۳۸۹ حکم بازنشستگی‌اش را دریافت کرده است. می‌گوید: اسامی لشکری از دوستان و همکارانم را در تلفن همراهم، همیشه همراه خود داشتم. در حالی که پس از بازنشستگی، بیشترین پیوندهایم گسیخته شد. مراسم تودیع‌مان با صنعت نفت درخور بازنشستگان نبود و آن را یک‌جا با جشن عاطفه‌ها برگزار کردند و همین مایه رنجش بیشترم شد. من به راستی عاشق نفت بودم. برای نمونه ۳۰ سال فیش حقوقی‌ام در صنعت را بدون کم و کاست جمع‌آوری و همانند اسنادی بسیار ارزشمند از آن‌ها مراقبت کرده‌ام.

دستخوش احساسات می‌شوم

آقای موسوی دارای دو فرزند دختر و یک فرزند پسر است. می‌گوید: همسرم چند سالی شاغل در صنعت نفت امیدیه بود. دخترهایم ازدواج کرده‌اند و پسرم سرگرم تحصیل است. یک نوه دارم که روزگار من و همسرمان را خوش‌تر از همیشه کرده است.

آقای موسوی نیز مانند بسیاری دیگر از همکاران خود، همراهی، صبوری و همگامی همسر خود را عامل اصلی موفقیتش در زندگی می‌داند. می‌گوید: من همواره در خارج از تهران کار و تلاش کرده‌ام و اگر موفقیتی به دست آورده‌ام بی‌گمان مدیون وجود همسرم بوده است. می‌دانم زندگی با کسی که تا حدود زیادی هم‌احساساتی است، آسان نیست. حتی هنوز و هر بار که سال‌های خدمت در صنعت را به خاطر می‌آورم، دستخوش احساسات می‌شوم. گو این که مدت زیادی از زمان بازنشستگی‌ام سپری نشده است، اما عمیقاً مایلیم کارم را در رشته مورد علاقه‌ام ادامه دهیم. هم اینک یک دفتر مهندسی دارم که از طریق آن، امور مشاوره را انجام می‌دهم.

میهمان این شماره

روا نیست در عالم عاشقی...

حکایت اولین و آخرین
فیش حقوقی

وقتی می‌گوید نفت، اشک به چشم می‌آورد. می‌گوید روا نیست در عالم عاشقی، در اوج دلدادگی و دل بستگی، ناگزیر باشی یکباره دست از همه چیز بشویی و به کنج عزلت و تنهایی بخیزی در حالی که دانش و تجربه فراهم آمده از سال‌های دراز کار و تلاش، می‌تواند و باید در جایی به کار آید و چه جایی بهتر از نفت که همه چیزش آشناست و جمع دوستان یکدل در آن مهیا. با این همه، می‌داند که از بازنشستگی گریزی نیست. چرا که جوان ترها از پشت سر می‌آیند و لاجرم باید صحنه و میدان را ترک گفت و خوش آمدگوی شان بود.



شروع جنگ بین ایران و عراق، در استانداری خوزستان سرگرم کار شدم و در نهایت، در سال ۱۳۶۲ به استخدام شرکت نفت جنوب درآمد و در اهواز به فعالیت شغلی‌ام ادامه دادم.

ادامه تحصیل در حین کار

مهندس موسوی در حین کار در این شرکت، موفق به دریافت مدرک فوق‌لیسانس

آقای سیدعبدالغفور موسوی از جمله عاشقان نفتی است که می‌گوید بازنشستگی برایم سخت گران آمد و کنار آمدن با آن برایم آسان نبود. متولد سال ۱۳۲۹ در ماهشهر است. دانش‌آموخته مهندسی عمران از آمریکاست. سال ۱۳۵۹ در بازگشت به ایران، تجربه‌های کاری ارزشمندی را پشت سر گذاشته است. می‌گوید: هم‌زمان با

پستو

آبادانی که می‌شناختم

برای فرار از جنگ به آبادان می‌آمدند. تقسیم‌بندی میان ما و انگلیسی‌ها، مانند جداسازی سیاهپوستان از سفیدپوستان بود. نخستین تجربه من از این جداسازی عمومی هنگامی به دست آمد که آن روز عصر منتظر اتوبوس بودم تا از پالایشگاه به خانه برگردم. اتوبوس که نزدیک شد، بلیطی را که به من داده شده بود، به راننده نشان دادم. او فریاد زد: «این اتوبوس نیست رفیق. این اتوبوس انگلیسی‌هاست.

سی هزار کارگر در آبادان کار می‌کردند که بیش‌تر آن‌ها محلی بودند. موقعی که من رسیدم، سه هزار کارگر هندی و فلسطینی هم در آنجا کار می‌کردند. تنها شانزده ایرانی تحصیل کرده انگلستان در مدیریت میانی وارد شده بودند. مقامات بالایی آبادان هم انگلیسی بودند، دو هزار مهاجر، مشاغلی را در اختیار گرفته بودند که بعدها متوجه شدم تنها به ۱۵۰ نفر نیاز داشت. شاید عده زیادی

شما نوشته‌اید

تشکر
و قدردانی

■ **هدیه‌ای که پشتش یک دنیا مهربانی است، دیگر یک هدیه ساده نیست بلکه ارزشی دو چندان دارد.** آقایان حسن صباغ، یزدان پناه زبردست فریدونی، جمشید اوسینودی، همچنین آقایان محمد قاسم کاووسیان، حسین شریفیان بوشهری و محمد جان نظری از دفاتر نمایندگی همدان، شیراز و اهواز به سبب ارسال شاخه گل و کارت تبریک سپاسگزاری کرده‌اند.

■ **رییس دفتر نمایندگی چالوس طی نامه‌ای، ضمن تأکید بر آمادگی خود و همکاری در ارائه مطلوب خدمات به پیشکسوتان این شهرستان، سپاسگزاری خود را از بازنشستگانی که نحوه ارائه خدمات از سوی این دفتر را مورد قدردانی قرار داده‌اند، ابراز داشته است.**

■ **کانون بازنشستگان استان فارس طی نامه‌ای مراتب تقدیر و تشکر خود را از مساعدت‌های معاون خدمات پشتیبانی سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت این استان ابراز داشته است.**

■ **جمعی از بازنشستگان ساکن اهواز طی نامه‌ای مراتب تشکر و قدردانی خود را از ارسال کارت تبریک سالروز تولد، به همراه شاخه گل از جانب دفتر نمایندگی این شهرستان ابراز داشته‌اند.**

■ **همکار بازنشسته آقای روح... حسنی پل خوابی از همکاران واحد درمان به ویژه رییس واحد بهداشت و درمان صنعت نفت سپاسگزاری کرده است.**

■ **خانم کوکب دارایی همکار بازنشسته، از رییس و کارکنان امور وام صندوق‌ها به پاس مساعدت ایشان در رفع مشکلات مالی قدردانی کرده است.**

■ **غلام براتزاده: در کنج عزلت و تنهایی، نشسته و سر به جیب تفکر برده و غم و اندوه اغیار و زمانه را مرور می‌نمودم، که ناگه پیک شادی از ره رسید و با آوردن کارت تبریک تولد و شاخه گلی زیبا، دری از درهای شور و شفق و خوشوقتی را به رویم گشود. غم‌ها و الم گم شدند و امید در قلم جوانه زد! امیدوار شدم به این که، هنوز فراموش نشده‌ام و هنوز هم کسی هست که حداقل سالی یک بار، یادم کند و بگوید: «دانش غلام، تولدت مبارک!»**

فروز دولو:

«به نام حضرت دوست که هرچه داریم از اوست»
در آغاز هفتمین دهه زندگانی چشمانم با بوی محبتتان باز و سرخی گل زیبایتان انرژی‌آفرین و گرمابخش زمستان سردم گردید.
زبان قاصر از سیاستان
ایزد منان نگه‌دارتان

ورود بازنشستگان به پالایشگاه ممنوع!

علی‌مراد مرادی بازنشسته از کرمانشاه: چندی پیش برای طرح خواسته‌ای به پالایشگاه نفت کرمانشاه مراجعه کردم. هنگام ورود، مأموران حراست، ضمن اشاره به اطلاعیه‌ای که از جانب مدیر عامل صادر و طی آن بر عدم ورود بازنشستگان به پالایشگاه تأکید شده است، از حضور من در محوطه جلوگیری کردند. این برخورد توهین‌آمیز برای فردی که بیشتر دوران خدمت خود را در واحدهای عملیاتی گذرانده هرگز قابل توجیه نیست. خواستار انعکاس آن و ارائه توضیح منطقی از سوی عاملان هستم.

من این جا هستم

صحبت‌اله مدرسی-تهران: اهل توپسرکان هستم و سال ۱۳۸۹ با ۳۶ سال سابقه خدمت در تأسیسات نفت و گاز بازنشسته شده‌ام. مایلیم با دوستانی که پس از بازنشستگی فرصت و مناسبتی برای تجدید دیدارشان نداشته‌ام، بار دیگر ارتباط برقرار کنم. شماره تماس با من را از دفتر نشریه «زندگی‌نو» بخواهید.

هزینه سفر پرداخت نمی‌شود!

خانم شهنواز حیدری کارمند بازنشسته ۶۰۲۳۸۸: در حالی که در استان فارس به بازنشستگان هزینه سفر پرداخت می‌شود، در منطقه گچساران بازنشستگان از دریافت این یارانه محروم هستند، علت چیست؟

به امثال من عنایت بیشتری داشته باشید

حجت‌اله باوفا- شیراز: از ۷۹ سالی که از سنم سپری شده، ۳۵ سال و ۶ ماه آن در صنعت نفت گذشته است. سال‌ها و روزهای بسیار سختی را در صنعت مورد علاقه‌ام پشت سر گذاشته‌ام. به ویژه آن که همواره در پی اعاده حقوق همکارانم بوده‌ام. متأسفانه در این سن و سال اجاره‌نشین هستم و وعده مسؤولان وقت در سال‌های گذشته برای جایگزین کردن یکی از فرزندانم در صنعت هنوز عملی نشده است. خوب است صندوق‌های بازنشستگی التفات بیشتری به همکاران بازنشسته و قدیمی مانند من داشته باشد.

پاسخ به نامه‌ها

■ **همکار محترم بازنشسته جناب آقای قاسم ملایانی در ارتباط با مسایل طرح شده از سوی جنابعالی، تاکنون به دفعات توضیحات لازم از سوی مسؤولان صندوق‌ها ارائه شده است. ضمناً نامه‌هایی که برای اطلاع مقامات و مسؤولان تنظیم می‌کنید، بهتر است به نشانی گیرندگان و مخاطبان ارسال شود.**

■ **همکار بازنشسته جناب آقای عبدالعزیز روشندل، همان‌طور که خود اشاره داشته‌اید، هم‌اکنون در حال پرداخت اقساط وام مسکن هستید، بنابراین پرداخت وام مجدد برای خرید مسکن امکان‌پذیر نیست. ضمن این که منازل شرکتی نیز مختص کارکنان شاغل و در حال خدمت است.**

در مورد طرح تأمین آتیه، بارها نظراتی مشابه پیشنهاد جنابعالی در نشریه درج و به آگاهی مسؤولان محترم رسیده است. به نظر می‌رسد در جمع‌بندی نهایی هیچ یک از نظرات ارائه شده مزیتی

افسرده از بی‌عدالتی

اینجانب (غ-م) کارمند بازنشسته شرکت ملی گاز استان خوزستان از این که بین ما بازنشستگان صنعت نفت تبعیض قائل می‌شوند به شدت ناراحت و افسرده‌ام. چرا باید کلیه شاغلان و بازنشستگان حق ورزش دریافت کنند و ما بازنشستگان شرکت ملی گاز از آن محروم باشیم، اینجانب بعد از بازنشستگی دچار بیماری افسردگی شدید شدم. ناراحتی من تنها به خاطر پول نیست بلکه به خاطر بی‌عدالتی‌هاست. از برادران محترم مسؤول درخواست دارم نگذارند حق و حقوق ما بازنشستگان شرکت ملی گاز پایمال گردد.

حق من پایمال نشود!

صادقی بازنشسته شماره ۷۲۳۱۹: برای استفاده از تور کیش به دفتر نمایندگی غرب مراجعه کردم. هنگام ثبت نام پاسخ شنیدم که به علت استفاده از مجتمع محمودآباد در فروردین ۱۳۹۰، ثبت نام من در تور مقدور نیست. من که هرگز از مجتمع محمودآباد طی سال‌های گذشته استفاده نکرده بودم نسبت به این ادعا اعتراض کردم و مسأله را مورد پیگیری قرار دادم تا جایی که مشخص شد سخن من صحیح است.

اما با این وجود همچنان از ثبت‌نام من در تور نوروزی و به طور مشخص استفاده از مجتمع محمودآباد امتناع می‌ورزند. آن هم به این دلیل که نام من در کامپیوتر مجتمع محمودآباد ثبت شده! البته من هنوز پاسخ به این پرسش را نیافته‌ام که چگونه می‌شود نام کسی را در کامپیوتر مجتمع محمودآباد ثبت کرد درحالی که او خودش در این مجتمع حضور نداشته و روحش نیز از آن بی‌خبر است! لطفاً مسأله را پیگیری فرمایید! اطمینان دارم که اشتباهی صورت گرفته یا شاید هم خدای نکرده ... !!

زندگی نو: براساس توضیحات دریافتی از دفتر نمایندگی غرب تهران، این نمایندگی هیچ‌گونه دخالتی در ثبت یا حذف نام استفاده‌کنندگان از مجتمع محمودآباد از سیستم کامپیوتری شرکت ملی نفت ندارد. اسامی استفاده‌کنندگان از زاپرسرای مشهد و مجتمع محمودآباد توسط واحد خدمات اجتماعی شرکت ملی نفت به سیستم کامپیوتری وارد و از این طریق به سایر واحدها اعلام می‌شود.

بر روش کنونی ندارد و از جاذبه لازم برخوردار نیست. پایدار باشید.

■ **همکار بازنشسته آقای بهرام بوادی ضمن تشکر از ابراز لطف جنابعالی به «زندگی‌نو» برایتان سلامت و موفقیت آرزو می‌کنیم.**

■ **همکار بازنشسته آقای اکرمی گلپایگانی ضمن تشکر از نامه محبت‌آمیز جنابعالی و شعر ارسالی، تندرستی و موفقیت‌تان را آرزو داریم.**

■ **همکار محترم بازنشسته جناب آقای دکتر موسوی روحبخش، با تبریک مجدد انتخاب شما به عنوان بازنشسته نمونه و آرزوی موفقیت‌های بیشتر برای جنابعالی، از توجه و اظهار لطف‌تان نسبت به نشریه سپاسگزاریم.**

یا با غم من صبر به هم بایستی
یا عمر به اندازه غم بایستی

غم جمله نصیب چرخ خم بایستی
یا مایه غم چو عمر کم بایستی

با کمال‌الدین
اسماعیل

شعر همکار

در جریان سفر گروه ایثارگران اعزامی از طرف صندوق‌های بازنشستگی به مشهد مقدس، همکار بازنشسته ایثارگر، آقای غلامرضا محمدی نجف‌آبادی قطعه شعری را به دستمان داد که جهت درج در «زندگی نو» سروده بود. این سروده زیبا را با هم می‌خوانیم.

عزت میهمان

زائرت پزمرده حال و دل غمین آمد به طوس گفته گویم غصه‌ام با حضرت شمس‌الشموس همچنانی کو خودش را سوی مشهد می‌رساند غصه‌هایش را ز دل بر روی کاغذ می‌نشانند می‌نوشتش از گران، خرج و دخل خیره سر از سیه‌بختی و روزش کز شیش شد تیره‌تر از مریضان و بدهکاران و هم‌پاران خود گندم و ماش و عدس، از لوبیا و هم نخود از جفای نارافیقان هرچه جاری شد نوشت همچنانش می‌نوشت و می‌نوشت و می‌نوشت ناگهان یادش بیامد دلخوشی‌هایی که هست ای خدا شکرست که من خیر تو آوردم به دست یک دل شاد و لبی خندان و قلبی مهربان عاشقت هستم «ماما» عشق من کن جاودان دوستانی مهربان و همراهانی با ادب عاشقانی از بلوچ و کرد و ترک و هم عرب زائرت آمد کمی صحن و سرایت را بدید از فراز مأذنه بانگ اذانت را شنید پیش خود گفتارم داخل دلم خالی کنم درد دل‌هایم روم بر حضرتش حالی کنم می‌شوم بر کول زوار امامم من سوار تا گشایم من گره از شکوه‌هایم پیش یار گر کنم دست خودم را با ضریحش آشنا بخت و اقبال من از این تیرگی گردد رها کفش خود از پا گشود و عزم خود سوی ضریح نکته‌ای آمد به چشمش ماجرای بس ملیح مادری طفل مریض خود به دوش آورده بود زیر جا کفشی از او بندی گشود از قضا این طفل و مادر ساکنان مشهدند ساکنان مشهدند و پدر درمان آمدند ناگهان مادر ز جای کفش آن زوار تو گرد راهی برگرفت، زوار ماند از کار تو خاک ره او بر سر طفلش زد و درمان نمود گوئیا دردی به جسم طفل او هرگز نبود مانده بودش زائرت کاین خاصیت از بهر چیست؟ یا که از دید زمینی مرحمت‌ها مال کیست؟ خاک اگر از کفش من درمان کند شخص مریض ای امام مهربانم، این منم این حد عزیز؟ هاتنی آمد ندایش داده و اینگونه گفت هر کسی کو دعوت مولای ما با دل شنفست هرچه می‌خواهی ده، جاه و جلال و معرفت این شفا در خاک راهت یک نشان از آن صفت حضرتش فرموده زوارم اگر هر کس شود تا که این نیت کند، مهمانم از آن پس شود احترام و عزت مهمانم به صاحب‌خانه است عزتش فرقی ندارد میهمانم هر جا نشست گر که در اکرام مهمانم گرد پایش شد دوا خود بخوان تا حضرتش چون می‌کند حاجت‌روا

به مناسبت وفات حضرت معصومه (س)

سلام بر بانوی آب‌ها و آینه‌ها

معصومه، یعنی قداست مریم و عصمت فاطمه و ادامه قصه غصه‌های زینب. معصومه یعنی ترنم ترانه‌ای دیگر برای استجابات دعا. امروز، سپیده‌دم طلوع تو، عطر نوشکفته بهار را بر قلب مشتاقان می‌پراکند. شرافت زن در یاد توست، آن هنگام که قدسیان بر گلدسته‌های نورانی‌ات سلام می‌فرستند. سلام بر تو، بانوی آب‌ها و آینه‌ها! سلام بر تو، زیباترین مطلع غزل‌های عاشقی! سلام بر نجابت دست‌ها و کرامت نگاه‌ها!

درمارون «۲» گرفتار ترکش شدم

آقای رستمی از جمله ایثارگران جنگ تحمیلی است. می‌گوید: سال ۱۳۶۴ مسوول بازسازی ایستگاه تقویت فشار مارون «۲» بودم که بر اثر بمباران دشمن، گرفتار ترکش شدم. به گونه‌ای که هنوز در بدنم ترکش دارم. افزون بر این، برادرم و اعضای خانواده‌اش را هم در جریان جنگ از دست داده‌ام. برادرم در توانیر کار می‌کرد. آقای رستمی تا پیش از بازنشستگی، سرپرستی نوبت کاری در کارخانه‌های گاز و گاز مایع و نیز مسؤلیت نظارت بر امور ساختمانی پروژه‌ها را در کارنامه شغلی خود داشته و سرانجام به عنوان مهندس ارشد پروژه بازنشسته شده است.

بیکار نشستم

آقای رستمی می‌گوید: پس از بازنشستگی، بیکار نشستم. مدتی در یک شرکت و در یک پروژه تقویت فشار گاز در مسیر یاسوج و اصفهان کار کردم. سال ۱۳۸۳ از یاسوج به طرف اصفهان می‌رفتم که بین راه در تصادف شدیدی، گردنم شکست. در این حادثه راننده کشته شد و من که تقریباً از کمر به پایین فلج شده بودم، با تلاش پزشکان در تهران، سلامت‌م را باز یافتم. با این همه چون روی مهره‌های گردنم عمل جراحی انجام شده بود دیگر نتوانستم به کارم ادامه دهم. همسر آقای رستمی، بازنشسته فرهنگی است. به باور آقای رستمی، با وجود چنین همسری، دلیل و انگیزه کافی برای پشت سر گذاشتن دشواری‌ها و رخدادهای زندگی‌اش را داشته است. به گونه‌ای که از سهمی که تاکنون از زندگی داشته‌اش خشنود است و در هر شرایطی تلاش می‌کند اعضای خانواده و دیگر عزیزان و نزدیکانش را در تجربه‌های پر قدر و قیمت زندگی‌اش شریک و سهیم سازد.

الله

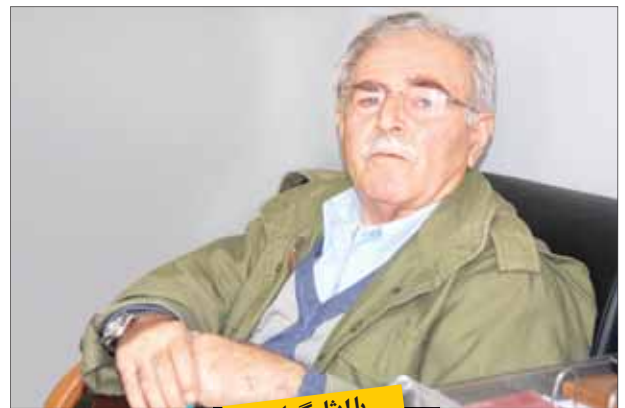


«الله» عنوان رمانی است که به کوشش دنیا سهیمی نژاد فرزند همکار بازنشسته آقای جعفر سهیمی نژاد به رشته تحریر درآمده است. این رمان اجتماعی داستان زندگی افراد بی‌پناهی است که با دستمایه توکل و ایمان، مشکلات را پشت سر می‌گذارند و در این راه، فراز و فرودهای بسیاری را نیز از سر می‌گذرانند. «الله» قصه همه آنانی است که به توانایی‌های خود ایمان دارند، دست از مبارزه نمی‌کشند و سربلند بر مشکلات فائق می‌آیند. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۹۰ از سوی انتشارات معتبر روانه بازار نشر شده است.

به مناسبت میلاد حضرت امام حسن عسگری (ع)

ای نای پرخروش ولایت

مولا! خوشا یادآوری یادت که با عطر ولایت همراه است! ما را در حریم عشق خود، عارفانگی آموز! فضیلت، به نام تو تبرک می‌جوید. عبادت، زیوری است که بر چکاد بلند نام تو تالو می‌کند. عظمت اخلاق از وجود تو آشکار می‌شود. ای نای پرخروش ولایت، آینه ایزد نما! ای تداوم وجود مبارک علی! تو فرزند ایمانی و پدر دریای بی‌پایان؛ مهبط انوار رحمانی و مفسر بزرگ آیه‌های قرآنی. ... و جهان، لحظه شمار گل‌آرایی فرزند توست؟ ... اینک بر تو و بر آن خورشید، بر تو و بر آن گل غایب، سلامی بی‌کرانه نثار باد!



با ایثارگران

به سهمی که از زندگی داشته‌ام خشنودم

بختیاری است و متولد مسجد سلیمان. به رغم تحمل دشواری‌های فراوان در زندگی، می‌گوید از سهمی که از زندگی داشته، خشنود است و شکایتی ندارد. بهرام رستمی همانند هر نفتی دیگری، صنعت نفت را خانه دوم خود می‌داند و می‌گوید در نفت بود که آموختم چگونه با دشواری‌های زندگی کنار بیایم و جدیت در کار و مسؤلیت شغلی را پیشه خود سازم.

شدند ازدواج کردم، سال ۱۳۴۸ و در ۳۰ سالگی. اولین فرزندم سال ۱۳۴۹ به دنیا آمد. ۳ فرزند دارم. دو پسر و یک دختر و یک نوه دختری ۳ ساله. پسر کوچکم در دوران جنگ به دنیا آمد و از عوارض این دوران بی‌نصیب نماند. او بهمن ماه ۱۳۵۸ در دوران جنگ به دنیا آمد و با وجود کم‌هوشی، ورزشکار و قهرمان پاورلیفتینگ است. او دو سال پیش در هندوستان به مقام قهرمانی آسیا رسید و سال پیش در آذربایجان نفر دوم جهان شد.

تجربه سختی از کودکی

آقای رستمی در ۵ سالگی پدرش را از دست داده و همراه یک خواهر و یک برادر دیگر خود، نزد عمویش زندگی کرده است. می‌گوید: در مسجد سلیمان دیپلم گرفتم و در آزمون استخدامی صنعت نفت پذیرفته شدم. سال ۱۳۴۰ بود که با حقوق ۶۰۰ تومان، مأمور خدمت در آغاچاری شدم. همزمان سرپرستی خواهر و برادر تنی و ناتنی‌ام را نیز عهده‌دار بودم. بزرگ‌تر که

معرفی کتاب

جشن‌های ایران باستان



چکامه راهگانی (شکاری) فرزند همکار بازنشسته خانم روح انگیز راهگانی به تازگی کتابی به رشته تحریر درآورده است. «جشن‌های ایران باستان» عنوان کتابی است که وی با بهره‌گیری از اسطوره‌های ایرانی نوشته و در آن به بررسی چهار جشن از جشن‌های ایران باستان «تیرگان، مهرگان، شب یلدا و دوازده خواهر» پرداخته است. کتاب جشن‌های ایران باستان از سوی انتشارات کورش در ۳ هزار نسخه با قیمت ۵ هزار تومان به بازار نشر راه یافته است.

کم‌خونی به وجود می‌آید، از دیگر نشانه‌های ابتلا به زخم‌های «پپتیک» یا زخم‌های معده و روده کوچک است.

راه‌های پیشگیری

بهترین شیوه‌ای که پزشکان متخصص برای بهبود این دردها ارائه کرده‌اند، دوری گزیدن از استرس، افسردگی، عصبانیت و احساس ناراحتی است. پزشکان تاکید کرده‌اند یکی از شیوه‌های موثر در درمان این زخم‌ها، احساس شادی کردن و خندیدن است.

آب درمانی یا نوشیدن زیاد آب از دیگر روش‌هایی است که متخصصان دستگاه گوارش برای بهبود زخم‌های «گاستریک» و «دئودنوم»، تجویز کرده‌اند.

گردش، پیاده‌روی در مناطق خوش آب‌وهوا و جنگلی، رفتن به کنار دریا، تمرکز و پرداختن به ورزش‌های سبک و شادی‌بخش از دیگر مواردی است که برای بهبود مبتلایان به زخم‌های گوارشی توصیه شده است.

دستور غذایی خاصی برای افراد مبتلا به دردهای «پپتیک» صادر نشده است. اما در برخی از این افراد، مصرف بعضی غذاها باعث سوزش و ناراحتی می‌شود. این سوزش ممکن است بر اثر تولید زیاد اسید یا سوزش قلب باشد. این افراد باید خود به تجربه دریابند که چه غذاهایی باعث بروز درد در آنها نمی‌شود.

نحوه تشخیص

تشخیص زخم‌های معده و روده کوچک از طریق آزمایش‌های خون، تنفس و بافت معده صورت می‌گیرد. به گفته متخصصان دستگاه گوارش بیشتر افراد بر اثر وجود باکتری «هلیکوباکتر» به این بیماری مبتلا می‌شوند.

آزمایش خون یکی از راه‌های آسان برای تشخیص زخم‌های معده و روده کوچک است. در آزمایش تنفس، مقدار گاز دی‌اکسید کربن در هوای بازدم فرد اندازه‌گیری می‌شود. برای انجام این آزمایش، بیمار نخست باید ماده‌ای حاوی اوره و کربن بنوشد. باکتری درون بدن بیمار، اوره و کربن را می‌شکند و به جریان خون و ریه‌ها می‌فرستد و با بازدم دفع می‌شود. پزشک با جمع‌آوری بازدم می‌تواند به وجود یا نبود «هلیکو باکتر» پی ببرد.

در آزمایش بافت معده، پزشک از طریق آندوسکوپی (دیدن درون دستگاه گوارش) می‌تواند به وجود یا نبود باکتری «هلیکو باکتر» پی ببرد و ابتلا به زخم‌های معده یا روده کوچک را تشخیص دهد.

برای شناخت و چگونگی بروز زخم معده یا زخم «گاستریک» و زخم روده کوچک یا زخم «دئودنال» که هر دو را زخم «پپتیک» نیز نامیده‌اند، بهتر است ابتدا فرایند عمل هضم در یک فرد سالم تشریح شود. غذایی که مصرف می‌کنیم نخست از مری وارد معده می‌شود. برای هضم غذا، معده اسید و آنزیم پپسین را تولید می‌کند. پس از این فعل و انفعالات، غذا از معده به ابتدای روده کوچک یا «دئودنوم» وارد و در روده کوچک عمل هضم و جذب مواد غذایی کامل می‌شود.

افرادی که دچار زخم معده یا زخم روده کوچک شده‌اند هنگام صرف غذا احساس درد می‌کنند. درد ناشی از زخم معده یا زخم گاستریک با غذا خوردن شدت بیشتری می‌یابد. اما درد ناشی از زخم «دئودنوم» یا زخم روده کوچک معمولاً بین ۲ تا ۵ ساعت پس از صرف غذا و هنگامی که معده خالی از غذا می‌شود بروز می‌کند و معمولاً نیز با خوردن غذا بهبود می‌یابد. زخم‌های مزبور یا زخم‌های گوارشی که به ندرت در ناحیه مری یا اولین قسمت روده کوچک به وجود می‌آیند، مختص سن و سال معینی نیست و ممکن است در هر سنی بروز کند.

احتمال بروز زخم‌های گوارشی در سنین کودکی و نوجوانی بسیار کم است و به ندرت اتفاق می‌افتد، در حالی که بروز زخم‌های گوارشی در سنین میان‌سالی و سالمندی و به‌ویژه در میان مردان، شایع‌تر است.

زخم معده، زخم روده و راه‌های درمان

دکتر اسعد نیک آیین



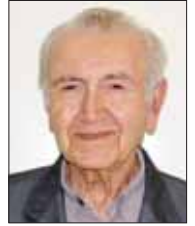
نشانه‌ها

درد یا سوزش از قفسه سینه تا ناف از نشانه بارز ابتلا به زخم «پپتیک» یا زخم‌های معده و روده کوچک است. اغلب این درد و سوزش در نخستین ساعات بامداد و پس از صرف غذا احساس می‌شود و بعد از مدتی که گاه از چند دقیقه تا چند ساعت به درازا می‌کشد، از بین می‌رود. حالت تهوع و برگرداندن غذا، مشکل در بلع، مدفوع سیاه، احساس درد شدید در ناحیه شکم، احساس درد در قسمت پشت، احساس دردی که با مصرف دارو تسکین نیابد، کاهش وزن و ضعف شدیدی که معمولاً به علت

عوامل بروز

پزشکان متخصص دستگاه گوارش عموماً براین باورند که رابطه مستقیمی میان شیوه زندگی افراد و بروز زخم‌های گوارشی وجود دارد. به عبارت دیگر، عواملی مانند استرس یا فشار روحی، تغذیه و عادات ناپسند چون سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی تأثیر زیادی در به وجود آمدن زخم‌های معده و روده کوچک دارند. باکتری موسوم به «هلیکو باکتر» و نبود تعادل میان اسید معده و آنزیم «پپسین» در به وجود آمدن زخم گاستریک و زخم «دئودنوم» تأثیر زیادی دارند.

با نسخه نویسی «زندگی تو»



خواص برخی از مواد غذایی

دکتر علیرضا صفوت‌نیا

۱- **عسل:** در عصر باستان کاربردهای فراوانی داشته است. از عسل به عنوان مرهم برای درمان زخم‌ها استفاده می‌کرده‌اند. این ماده شفا بخش موجب کند شدن اکسیداسیون کلسترول بد خون LDL می‌شود و از رسوب آن در عروق جلوگیری می‌کند.

۲- **ویتامین C:** رشد تومور و فاکتور رشد تومورهای سرطانی را متوقف می‌کند و در سلامت پوست و مو مؤثر است. منابع غنی آن: توت‌فرنگی، کلم بروکلی، گریپ‌فروت و به طور کلی مرکبات، گوجه فرنگی، گل کلم، هندوانه و دیگر سبزی‌هاست.

۳- **ماء‌الشعیر:** دارای سیلیکات و برای استحکام استخوان‌ها مفید است.

۴- **گشیش:** دارای خاصیت ضد باکتری برای بیماری‌های عفونی روده است. مصرف تخم گشیش به هضم غذا کمک می‌کند و تقویت کننده قلب است.

۵- **اسفناج:** در جلوگیری از ابتلا به آب مروارید مؤثر بوده و استفاده از آن با کلم می‌تواند چشم را در برابر زان‌های نور آفتاب ایمن کند. مواد شیمیایی موجود در کلم و اسفناج می‌تواند تا پنجاه درصد خطر آب مروارید را کاهش دهد.

۶- **بادام:** به علت دارا بودن آنتی‌اکسیدان قوی نقش مهمی در پیشگیری از بروز سرطان‌ها دارد. مصرف بادام از سرطان روده و پروستات جلوگیری می‌کند بادام علاوه بر دارا بودن ویتامین E طبیعی دارای سلنیوم و مواد فیبردار حاوی پروتئین و کلسیم هم هست که به استحکام استخوان‌ها و حفظ سلامت قلب کمک می‌کند.

۷- **روغن زیتون:** دارای ترکیبی به نام التوکاتال است که از التهاب مفاصل جلوگیری و با دارا بودن اسیدهای چرب (امگا ۳) به تقویت سیستم دفاعی بدن کمک می‌کند.

۸- **روغن ماهی:** به خاطر دارا بودن امگا ۳ و ۶ اثر قابل توجهی در تقویت سیستم دفاعی بدن داشته به طوری که در فصول سرما از سرماخوردگی‌های مکرر و آنفلوآنزا جلوگیری می‌کند و در نوجوانان برای تقویت استخوان‌بندی و کمک به رشد متناسب آن‌ها مناسب است.

۹- **زرشک:** عصاره میوه زرشک مقادیر زیادی ویتامین «C» دارد که به تقویت سیستم ایمنی بدن و تحریک جذب آهن کمک می‌کند و مانع بیماری اسکوریبت است.

۱۰- **جعفری:** منبعی غنی از کلروفیل، آهن، مواد آلی، کلسیم، فسفر، منگنز، ویتامین «A» و «D» است. جعفری برای درمان کم‌خونی و بیماری‌های کبد و آسم مفید است. برگ‌های تازه و تخم جعفری نفخ معده و روده‌ها را برطرف می‌کند و به عنوان ضد قولنج هم مصرف دارد. جعفری جهت تصفیه کردن ادرار و پاک‌سازی کلیه مفید است و خاصیت ملینی دارد و در کلیه مواد غذایی توأم با سبزی‌های دیگر قابل مصرف است ضمن این که برای تقویت معده و جلوگیری از بیماری‌های مربوط به آن نیز مفید است.

کلینیک میوه و سبزی

نعناع گیاهی است با گونه‌های مختلف و خواص دارویی. در طب سنتی نیز خواص بسیار زیادی برای این گیاه شمرده شده است. از این خواص برای رفع نفخ، درد شکم، اسهال، سوء هاضمه، تقویت روده، تب، سرماخوردگی، آنفلوآنزا، تسکین اعصاب و در مورد کودکان برای جلوگیری از خونریزی بینی استفاده می‌شود.

از نعناع همچنین در موارد گزیدگی و نیش حشرات استفاده می‌شود. در قدیم، حکمای طب، مصرف نعناع را برای بیماری‌های بینی و گلو، سردردهای مزمن و پرفشاری خون تجویز می‌کردند. از نعناع همچنین برای کشتن و از بین بردن کرم‌های موجود در شکم و رفع حالت تهوع، استفاده می‌شده است.



نعناع

کارگاه
زندگیتوصیه های دکتر محمد مجد
روانپزشک و استاد دانشگاهمی شود کمی
کوتاه بیایید!

سازمان بهداشت جهانی در این زمینه دستوراتی دارد.

۱- پدر و مادر باید مراقب خودشان باشند، مثلاً کمی ورزش کنند، خود را واریسی پزشکی کنند، شش ماه یک بار یا یک سال یک بار انواع آزمایش های خونی و ادراری را انجام دهند.

۲- باید رژیم غذایی مناسبی انتخاب کنند. باید نمک را از زندگی حذف کنند.

نمک عامل خوبی برای ایجاد انفارکتوس، سکنه قلبی است. اگر انفارکتوس خواستید همین امروز یک نمکدان بخرید!!

تمام چربی های حیوانی را باید حذف نمود. تنها چربی های گیاهی را می توان مصرف کرد.

۳- از دستورات دیگر سازمان جهانی بهداشت آتش بس در زندگی زناشویی است. دعوا و مجادله

در زندگی زناشویی مایه مرگ و میر والدین است؛ ما باید از مجادلات پیشگیری کنیم. شما تجربه کرده اید که کدام کلام دعوا را کش می دهد، همان کلام را تعطیل کنید. شما می دانید که برون فکنی دعوا را کش می دهد. همین که به شما گفتند: «شما

بسیار بی توجه اید» بگویید: «بله سعی می کنم غیر از این باشم»، دعوا را تمام کنید. پدر و مادرها در جریان مجادلات زناشویی می میرند، و معمولاً آقایان می میرند. این داستان غم انگیزی است که کسی پدر نداشته باشد، من فکر می کنم که بیوه بودن هم بسیار بد است. ما چه گناهی کرده ایم که شما تندتند ما را می میرانید! می شود کمی کوتاه بیایید؟!

۴- دستور بعدی این است که کمی از زندگی خود لذت ببرید؛ مثلاً، همه والدین مملکت ما، تمام

دلخوشی های ما را برای بچه ها گذاشته اند، کمی هم به خودتان بپردازید. پدر و مادرها باید برای خودشان تفریحاتی، دلخوشی هایی داشته باشند، برنامه ای داشته باشند، زیارت امام رضاع (بروند، کمی نفس بکشند. برخی از خانواده ها از این اتاق به آن اتاق مسافرت نمی کنند. باید روزهای تعطیل از خانه بیرون آمد، به بیابان رفت، کمی فضا را دید، فصل ها را باید بچه ها ارائه کرد.

۵- سازمان جهانی بهداشت توصیه اکیدی جهت معالجه سریع برخی از بیماری ها دارد. بعضی از امراض جسمی را باید به سرعت معالجه نمود. ما پزشکان در مقام رسیدگی به مردم هستیم و برخلاف آنچه بین مردم رواج دارد، به نظر من تسهیلات خدمات درمانی بسیار مفید است. سازمان جهانی بهداشت درباره معالجه به موقع بیماری روانپزشکی تأکید بسیاری دارد. یکی از بیماری هایی که فرد را زود از بین می برد، افسردگی است. آیا نشنیده اید که فلاطی آن قدر غصه خورد تا مرد! افسردگی را باید فوراً معالجه کرد. همچنین اضطراب و امراض دیگر رشته روانپزشکی را باید به سرعت علاج نمود.

قرص و کپسول را در یخچال نگهداری نکنید!

نور و تابش مستقیم اشعه آفتاب و نیز رطوبت و عموماً در دمای زیر ۲۵ درجه سانتیگراد باشد مگر آن که بر روی آن دستور دیگری درج شده باشد. این پزشک داروساز ضمن تأکید بر رعایت تاریخ مصرف داروها گفت: بر روی همه داروها تاریخ انقضای مصرف وجود دارد حتی در مورد قرص ها و کپسول ها و لازم است قرص ها از طرفی مصرف شود که در صورت قیچی کردن آن، تاریخ انقضا از بین نرود.



یک داروساز تأکید کرد: به هیچ وجه قرص و کپسول را در یخچال خانه نگهداری نکنید. به گزارش وب دا، شربت ها و قطره های چشمی باید پس از باز شدن در یخچال نگهداری شده و پس از گذشت یک ماه از تاریخ باز شدن در آن، دور انداخته شوند. در مورد پمادها، غیر از تعداد محدودی که بر روی آن درج گردیده بقیه می توانند در دمای اتاق نگهداری شوند.

دکتر رویا رحیمی گفت: شرایط نگهداری داروها بر اساس توصیه شرکت های سازنده متفاوت و لازم است بیماران در حین خرید به برچسب دارو توجه نمایند تا موارد عنوان شده را رعایت کنند. وی در مورد نگهداری شیف ها گفت: آن دسته از داروهایی که هورمونی هستند باید در یخچال و مابقی در دمای زیر ۲۵ درجه سانتیگراد نگهداری شوند. وی گفت: به طور کلی شرایط نگهداری داروها در منزل باید دور از

دکتر رحیمی از مردم خواست از نگهداری داروها در منزل خودداری کنند و به صورت دوره ای هر چند ماه یک بار تاریخ انقضای داروها را کنترل کرده، داروهای غیر قابل مصرف را دور بریزند و نیز از ریختن شربت ها در شیشه های دیگر و نیز قرار دادن قرص ها در جعبه های دیگر خودداری کنند تا از بروز اشتباه و مسمومیت دارویی در این موارد پیشگیری شود.

بهترین راه مبارزه با زوال عقل

استانداردهای تحصیلی می تواند به تنهایی تا حد بسیار زیادی روی دمانس تأثیر گذار باشد و شروع علائم دمانس در افراد را تا حد ۱۸ درصد پایین بیاورد. حذف افسردگی و دیابت هم به ترتیب ۱۰ و ۴/۹ درصد از مبتلایان به دمانس می کاهد. اگر افراد دست کم دو سهم میوه یا سبزی در هر روز بخورند، موارد دمانس ۶/۵ درصد دیگر هم پایین می آید. در مجموع این عوامل در کنار هم تا ۲۱ درصد می تواند با دمانس مبارزه کند. البته شاید حذف افسردگی و خصوصاً دیابت کار ساده ای نباشد یا دست کم در کنترل بسیاری از ما نباشد، اما تغذیه مناسب و مطالعه بیشتر که از دستمان برمی آید!

محققان با مطالعه بلندمدت بر روی سالمندان، به این نتیجه رسیده اند که مبارزه با دیابت و افسردگی، بالا بردن سطح تحصیلات و رژیم غذایی مناسب، مهم ترین عوامل پیشگیری و مبارزه با دمانس (زوال عقل) به شمار می آید. بر اساس گزارشی که نشریه «نیوساینست» منتشر کرده، محققان فرانسوی سه عامل را در پیشگیری و مبارزه با دمانس از همه مهم تر ارزیابی کرده اند: مبارزه با دیابت و افسردگی، بالا بردن تحصیلات و در نهایت رژیم غذایی مناسب. محققان موسسه ملی تحقیقات پزشکی فرانسه عواملی مانند وزن، درآمد، سطح تحصیلات و رژیم غذایی را در نمونه خود بررسی کردند. به گفته آن ها، ارتقای

جدی بگیرد

کاهش درد با نگاه کردن
به تصویر مورد علاقه

یافته های پژوهشگران علوم پزشکی دانشگاه «استانفورد» در آمریکا، حاکی از آن است که نگاه کردن به تصویر کسی که دوستش دارید باعث کاهش درد به میزان ۴۴ درصد می شود.

این پژوهشگران با بررسی های گوناگون به شواهد مستقیمی درباره پیوند احساس دلبستگی عاطفی با کاهش درد در بیمار دست یافتند، اگر چه تصریح شده که احساس درد و چگونگی واکنش به آن تا حد زیادی به وضعیت جسمی، روحی و فرهنگی افراد بستگی دارد.

بر اساس این پژوهش، به طور میانگین میزان درد در افراد مورد مطالعه بین ۳۶ تا ۴۴ درصد بود در حالی که با نگاه کردن به فرد یا تصویری که دوست داشتند فقط ۱۳ درصد اظهار ناراحتی شدید کردند.

کاهش سردردهای میگرنی
با مصرف روغن ماهی

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایسنا، دانشمندان ثابت کرده اند سردرد ۶۰ درصد از بیمارانی که به مدت شش هفته از کپسول روغن ماهی استفاده کرده اند، کاهش یافته است.

در این پژوهش همچنین آمده است: روغن ماهی از شدت سردردها می کاهد و به علاوه به بهبود بیماری که به تازگی دچار بیماری کلبوی شده اند، کمک می کند. ماهی سرشار از پروتئین و ویتامین های گروه مواد معدنی مورد نیاز بدن از قبیل آهن، منیزیم، روی و پتاسیم است.

مصرف ماهی برای سلامت قلب نیز بسیار مفید است؛ چرا که میزان چربی های اشباع شده در اکثر غذاهای دریایی کم است و حتی گاهی اوقات دو سوم چربی گوشت های بدون چرب است.

پیشگیری
از ام. اس

یک عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان با اشاره به بیماری های آلزایمر، تشنج، سردرد، اختلالات حافظه و ام اس به عنوان رایج ترین بیماری های مغز و اعصاب در ایران، یادآور شد دانشمندان بر این باورند که با مصرف ویتامین "D" می توان از بروز بیماری ام اس پیشگیری کرد. دکتر مسعود اعتمادی فر با رد این مساله که استفاده طولانی مدت دارو در درمان ام اس برای بیمار وابستگی ایجاد می کند، هشدار داد این فرهنگ غلط در میان ایرانیان باعث می شود تا بیماران پیش از تکمیل دوره درمان، مصرف دارو را قطع کنند. وی همچنین با طرح این مساله که استرس علت ام اس نیست بلکه آن را تشدید می کند، خاطر نشان کرد که مصرف ویتامین "D" نقش پیشگیری کننده در بروز بیماری ام اس دارد.

تأثیر شیر
بر تأمین سلامت

نتایج بررسی های گروهی از متخصصان و دانش پژوهان در نیوزلند «زلاند نو» حاکی از آن است که مصرف شیر می تواند به میزان ۴۰ درصد از ابتلا به بیماری سرطان به ویژه سرطان روده جلوگیری کند. به گزارش دبلیو میل پروفیسور «برایان کاکس» و همکارانش در دانشگاه «لوتاگو» در نیوزلند با تحقیقاتی که بر روی نزدیک به ۶۰۰ نفر مبتلا به سرطان روده انجام داده اند، دریافته اند این افراد در سنین کودکی و نوجوانی شیر مصرف نکرده اند یا مصرف آنها در حد معمول و متعارف نبوده است. نتایج بررسی های دیگری که در انگلستان صورت گرفته نیز حاکی از آن است که اینگونه افراد در بزرگسالی ۲۰ درصد بیشتر در معرض سرطان روده قرار می گیرند.

کارشناس «آرامکو» در عربستان است. نام فرزند چهارم پیریخ است که در آمریکا اقامت دارد. فرزند پنجم و آخر زنده‌یاد کیارخ است که سال ۸۸ به رحمت ایزدی پیوست.

ماه بیگم

همسر ماه بیگم عکاشه همواره بانویی مدبر و برخوردار از توان مدیریت بود. من ساعت‌ها - بلکه روزها- در اداره سرگرم کار بودم و همسرم اداره امور خانه و تعلیم و تربیت بچه‌ها را بر عهده داشت. آرزوی مشترک همسرم و من این بود که فرزندان تحصیل کرده و شایسته به جامعه تحویل دهیم و خوشبختانه این آرزو به همت همسرم جامعه عمل پوشید.

ماه بیگم زنی سرشار از عاطفه و احساس است و خدمت به خانواده را بسیار دوست می‌دارد. او معتقد است زن و شوهر باید سنگ صبور و تکیه‌گاه هم باشند و با عشق و محبت، نهاد خانواده را محترم بدارند و در جایگاهی والا قرار دهند.

همراه با عشایر

زندگی مشترک همواره برای من شیرین و خاطره‌انگیز است. همسرم همیشه پذیرای خانواده پرجمعیت من بود و با آنان همراهی می‌کرد. یکی از خاطرات شیرین و مشترک ما به زمانی مربوط می‌شود که چهار فرزند داشتیم. ما با عشایر بختیاری که بستگان و آشنایان دور و نزدیک من بودند همراه شدیم و به سفری ۲۵ روزه از لالی تا حاجی‌آباد رفتیم.

خانواده‌ها در ۱۰ سیاه چادر متمرکز بودند. هر شب در نقطه‌ای اتراق می‌کردیم و صبح روز بعد حرکت به مقصد بعدی آغاز می‌شد. در فرهنگ بختیاری، زن و شوهر مطیع یکدیگرند و اختلاف و ناسازگاری بسیار نادر است. این درحالی است که زنان بختیاری، مسؤولیت‌های خطیری بر عهده دارند. برای مثال وقتی عشایر در نقطه‌ای توقف می‌کنند و به اصطلاح بار می‌اندازند، این زنان هستند که باید آب و آذوقه مهیا کنند و شام و ناهار بپزند.

ایرانگردی

ماهرخ خانم می‌گوید:

من بچه بودم و پدرم یک فولکس قورباغه‌ای داشت. او با همان ماشین به اروپا رفت و پس از مدتی با یک مرسدس بنز بازگشت. پدر و مادرم از فرصت‌ها برای سفر استفاده می‌کردند. ما همه‌جای ایران را دیده‌ایم و شاید فقط به دو-سه استان سفر نکرده باشیم.

فارغ از این فرصت‌ها و سفرها، شرکت نفت امکانات خاصی را برای کارکنان و خانواده‌ها فراهم می‌کرد. باشگاه، سینما، مدرسه، ورزشگاه و امکانات خوب دیگر. به همین خاطر، این تنها پدرم نیست که به صنعت نفت عشق می‌ورزد، همسر و فرزندان او نیز به شرکت نفت تعلق دارند. این تعلق خاطر سبب شده است با بیشتر خانواده‌هایی که در گذشته‌های دور با آنان رفت‌وآمد داشتیم، در تماس و ارتباط باشیم و با دیدار یکدیگر خاطرات خوب قدیم را زنده کنیم.

اشاره: هرچه دارد، از نفت است، این را خودش می‌گوید: در نفت رشد کردم، توفیق خدمت یافتیم و عاقبت به خیر شدم. آرامشی که دارم، از نفت است. نفت سبب شد با خانواده‌ام بهترین خاطرات را بسازم. نفت اجازه داد فرزندانم را به خارج از کشور بفرستم و به آنان بیالم. دوستانی را که مانده‌اند می‌بینم و با فرزندان همکاری که رفته‌اند در ارتباط هستیم. بیش از ۶۰ سال زندگی مشترک را پشت سر گذاشته‌ام و گمان می‌کنم خدمت در نفت در برخورداری من و همسر و خانواده‌ام از این نعمت بزرگ نقش داشته است. سلطانه‌ی ناصری در ادامه این نوشتار از ۶۰ سال زندگی مشترک با همسرش می‌گوید: هنگام انجام این گفت‌وگو، خانم ماه بیگم عکاشه همسر آقای ناصری در بستر بیماری قرار داشت و دختر ارشدشان ماهرخ میهمان آنان بود.



فرزندان هم مانند پدران به صنعت نفت عشق می‌ورزند

محاسن انبوه و بلندی بود. مادر، او و خانواده‌اش را در رفت‌وآمدهای اولیه می‌دید و زیرنظر داشت و هیأت ظاهری پدرم را می‌پسندید. به گفته مادر، پدر ۲۰۰ تومان حقوق می‌گرفت و آن دو در خانه سازمانی زندگی مشترکشان را آغاز کردند. بعدها به تمیی نقل مکان کردند و شرکت نفت لوازم اولیه زندگی را در اختیارشان گذاشت.

شکرگزار

سال ۱۳۲۹، مسجدسلیمان شهر اولین‌ها بود: اولین فرودگاه، سینما، باشگاه، ورزشگاه، ناوگان تاکسیرانی، مراکز خرید و امکانات دیگر. البته تا مدتی از بعضی امکانات محروم بودیم اما سطح پایین توقعات، احساس محرومیت را به حداقل می‌رساند. ما بیشتر، شکرگزار بودیم و با هر آنچه داشتیم، خوشبختی و آرامش را حس می‌کردیم. فرزندان ما همگی در مسجدسلیمان به دنیا آمدند: شاهرخ دانش‌آموخته مکانیک از آمریکا است و سرپرستی یکی از مراکز خدمات پس از فروش شورلت را بر عهده دارد. فرزند دوم ماهرخ است که در جمع ما حضور دارد و رشته تحصیلی او هنرهای زیباست. فرزند سوم فرخ، فوق لیسانس مهندسی شیمی و متولد ۱۳۳۳ است. او مدتی در شرکت موبیل کار می‌کرد و در حال حاضر

عملیات تعمیرات را برعهده داشت، چهار جلد کتاب با عناوین: کلیات، دیگ‌های بخار، توربین‌های بخاری و توربین‌های گازی را به فارسی و انگلیسی تألیف کرد و پس از آن با تصدی مشاغل چون: مهندس ارشد نوبت کاری، مهندس ارشد برق و رییس تعمیرات برق منطقه اهواز به خدمت ادامه داد. سال ۱۳۵۸ رییس تعمیرات منطقه خارگ شد و یک سال بعد با حفظ سمت، ریاست منطقه خارگ را نیز برعهده گرفت. وی سال ۱۳۶۰ به افتخار بازنشستگی نایل آمد و بی‌درنگ به همکاری با شرکت‌های صاحب نام در زمینه‌های نفت و گاز پرداخت.

وصلت با عکاشه‌ها

پدر همسر ماه بیگم عکاشه، اولین بختیاری بود که در شرکت نفت کارمند ارشد شد. عکاشه، خاندانی بزرگ و صاحب نام از ایل بختیاری است. همسر خواهر بزرگ ماه بیگم خانم از آشنایان و بستگان دور خانواده ما بود و آشنایی من و همسر در جریان رفت‌وآمدهای دو خانواده اتفاق افتاد. ماهرخ خانم دختر ارشد آقای ناصری به نقل از مادرش که هنگام انجام این گفت‌وگو در بستر بیماری به سر می‌برد می‌گوید: گویا پدر در ایامی که قصد ازدواج با مادرم را داشت، ورزشکار و دارای

سلطانه‌ی ناصری پدنی سال ۱۳۰۶ در روستای حاجی‌آباد چهارمحال و بختیاری متولد شد. پدرش کدخدای نیمی از طایفه بود. او یک مکتب‌خانه در روستا احداث کرد و سلطانه‌ی و بچه‌های دیگر همانجا درس خواندند. در هفت سالگی همراه پدر به مسجدسلیمان رفت و در کنار دو عموی که در حفاری کار می‌کردند به تحصیل ادامه داد و شاگرد اول شد. بعدها زبان انگلیسی را در کلاس‌های شبانه آموخت و مدت‌ها به موازات تحصیل، کار کرد. در ۱۵ سالگی به اندیمشک رفت و به اتفاق عمویش در چند کارخانه و واحد تولیدی کار کرد. در سال ۱۳۲۳ به مسجدسلیمان نقل مکان کرد و مراحل استخدام در شرکت نفت را پشت سر گذاشت. اولین حقوقش پس از استخدام ماهانه ۱۴۰ تومان بود. سال ۱۳۲۶ برای طی دوره سربازی به اهواز رفت. پس از پایان خدمت سربازی به مسجدسلیمان بازگشت و در واحد حقوق و دستمزد وابسته به حسابداری کل شرکت نفت سرگرم کار شد. سال ۱۳۳۵ دیپلم گرفت و بعد موفق به دریافت دیپلم مهندسی کارخانجات برق از کالج «بنت» انگلستان شد. سال ۱۳۴۴ درحالی که مسؤولیت برنامه‌ریزی

سردبیرین آزاده!

عطای عزیز!

از این که به خانهات بازگشته‌ای خوشحالم. البته من از ابتدا نیز می‌دانستم که قهر کردن با نشریه فقط یک ترفند عطاخانی بود برای این که پایت به محمودآباد برسد. اما اگر خیال می‌کنی، با این قهر و آشتی می‌توانی پای «باد صبا» را که او هم مثل تو، بازنشسته‌ای نکته‌سنج و بی‌قرار است، از نشریه کوتاه کنی سخت در اشتباهی. «زندگی نو» - که خوشبختانه در سیاست‌گذاری‌اش نقشی نداشته‌ای - پایه و بنیانش به آزادی قلم استوار است و تریبونی آزاد است برای گفت‌وگو و تضارب آرا! از همین بابت است که مقدم هر عزیز خوش قریحه و تازه واردی را گرامی می‌دارد و فرش قرمز زیر پایش می‌گستراند. جدیدترین نمونه‌اش هم، بازنشسته باذوق جناب آقای (ط-الف) است که به جانب‌داری از تو وارد میدان شده و این شعر نغز و زیبا را سروده است:

شنیدستم عطا جان قهر کرده
به کام دوستانت زهر کرده
برفته از در نشریه بیرون
شکسته سر قلم را با قلم‌دون
قسم خورده دگر آنجا نیاید
ز یاران روی خود پنهان نماید
دگر با قصه‌های نغز و شیرین
نگوید ماجرای شاد و غمگین
به جایش سردبیر، این مرد نیکو
بیآورده یکی از آن ور کو
که شاید باز گوید حرف‌ها را
نماید بهتر او احوال ما را
خیالش می‌رسد آن طنز گفتار
به راحت می‌شود هر جا پدیدار
یکی پیدا شده «باد صبا» نام
نشسته پشت میز از بام تا شام
به زور صد فشار، از خامه خویش
به در کرده دو سه خطی به تشویش
که شاید درد ما را باز گوید
به گوش این مدیران راز گوید
نمی‌داند عطا با لحن پربار
بسی بالا و پایین گشته در کار
نصیحت می‌کنم ای جانشین جان
تو خود بازش بیاور توی میدان
که میدان نبرد نظم و تحریر
فقط کار عطا باشد به تدبیر

قربانت: جانشین سردبیر



داشتم، از مدیر برنامه و کلاهی خود خواستم عجلالتا دست از مذاکره با بنگاه‌ها یا به لفظ دهاتی‌های بی‌سواد «ایجنٹ» های خارجی بردارند تا پس از ارزیابی شرایط تازه و مشورت بیشتر با آقا کمال و آقا جمال و آقانصراله که با تصمیم فدوی در ترک رابطه با «زندگی نو» سخت دلخور و ناراحت بودند، قصدیهایی خود را اعلام و به این غایله خاتمه دهم!

سایر بازنشستگان نیز که نوشته‌های عطا بازگوکننده حال و احوال و او را مدافع سینه‌چاک خود می‌دانند، هر روز با سید گل به خانه‌مان آمده و خواستار ادامه کار و نقش‌آفرینی فدوی در پیگیری مطالبات خود از صندوق بازنشستگی می‌شوند! به عنوان مثال یکی از خواسته‌های مهم ایشان در اولین قدم، پیشنهاد برای افزایش حقوق سال آینده است و اصرار دارند که اضافه مستمری سال آینده متناسب با میزان افزایش قیمت سکه و دلار و حداقل حدود ۵۰ درصد باشد!

آقای سردبیر! بالاخره فدوی پس از چند روز کلنجار رفتن با خود و مطالعه و بررسی شرایط موجود تسلیم خواسته‌های هواداران خود شده اکنون آماده هر نوع خدمت‌گزاری هستیم و شرمسار از تصمیم گذشته تقالی به دیوان عرش بنیان خواجه زده سلامت و موفقیت برای تمام دوستان و صنعت‌مدان آرزومند:

«مده به خاطر نازک مالالت از من زود» «که حافظ تو خود این لحظه گفت بسم‌اله»

ارادتمند: عطا

«میرزا رضا نونوا» این جوانمرد نود ساله به زمین افتادم و قلم پایم حسابی قلم شد و کار به گنج کاری کشید و استراحتی اجباری که خدا می‌داند تا کی!

آقای سردبیر!

واقعیت امر آن بود که فدوی تصمیم داشتیم که فضولی‌های «بادصبا» را که بی‌مزه هم نبود! بهانه کرده مثلا رابطه خود را با نشریه قطع کنیم! (نشریه‌ای که این همه مورد علاقه‌ام هست و در واقع عاشق صادق آن هستم و از اولین شماره و اولین روز نشریه، قلم ناچیز و فکر نارسا و بضاعت مزجات خود را با کمال خلوص در خدمت آن قرار داده‌ام و چندین سال متممادی فکر و ذکرم متوجه آن بوده است!) و اینک در صورت دریافت پیشنهادی از آن طرف آب، بار سفر بسته و به عنوان «لژیونر» به کشور دیگری رفته و در یک نشریه خارجی مشغول قلم صد تا یک غاز زدن بشوم. اما با دیدن احساسات و علاقه مفرط طرفداران پرشمار خود و مخالفت جدی عیال که تاب تحمل دوری والدهاش را برای مدت یک هفته هم نداشت و نگران بود که در یک مملکت غریب چگونه می‌تواند وسایل پخت و پز آش نذری خود را آن هم در یک آشپزخانه که در میان اتاق پذیرایی واقع است فراهم کند و به خصوص سیر داغش را به چه ترفندی درست نماید که صدای همسایه‌ها در نیاید و کارش به کلاتری نکشد!

لذا فدوی با این مشکلات عیدیه که بر سر راه خود

لژیونر پشیمانی!

آقای سردبیر

همان‌گونه که در معروضه قبلی به استحضار رسانیدم قصد دارم به علت مداخله‌های بی‌جای «بادصبا» و مزاحمت‌های او و خستگی مفرط به خاطر ۵۰ سال قلم زدن و کلنجار رفتن و اره دادن و تیشه گرفتن با جانشین محترم، برای مدتی نامشخص قلم را بوسیده به کنار نهم و تا فرصت باقیست و می‌توان بدون دنگ و فنگ دست اهل و عیال را گرفته راهی «محمودآباد» شوم و در این صد سال مانده از عمر به‌جای گرفتار شدن به پرت و پلاهای ناشناسی خُل تر از خودم، برای تمدد اعصاب و تغییر آب و هوا و فرار از هوای دودآلود تهران بزرگ، بدون اطلاع و سروصدا راهی سفر شوم! ولی با وجود مراقبت‌های شدید که کسی از حرکت فدوی مستحضر نشود، نمی‌دانم کدام شیر گاو خورده‌ای، شاید هم باد و احتمال همان «بادصبا» خبر تصمیم مرا به اهالی بومی محمودآباد و همکاران بازنشسته فدوی گزارش کرده و در نتیجه حضرات با سلام و صلوات و نحر چند نفر شتر و ذبح چند رأس بز در حالی که کاریکاتور فدوی را تکثیر و گل چوب کرده بودند به استقبال آمدند و با شور و شوق وافر در یکی از برج‌ها اقامت‌مان دادند که ای کاش در خانه خودمان می‌تمرگیدیم و هوس استراحت در مجتمع نمی‌کردیم!

آقای سردبیر! چشم‌تان روز بد نبیند که ما از بدو ورودمان تا پایان اقامت در محمودآباد کزایی یک روز خوش ندیدیم! هر روز و هر شب بی‌وقفه، صداها تن از اهالی بومی و صنعت‌مدان که برای استراحت به مجتمع آمده بودند برای دیدار و عرض خیرمقدم و اظهار درخواست‌های خود از اولیای صندوق‌های بازنشستگی و تمنای انعکاس آن‌ها در نشریه «زندگی نو» به سراغمان می‌آمدند به صورتی که حتی یک روز هم فرجه ندادند که پا از اتاق محل اقامت‌مان بیرون بگذاریم و ببینیم این مجتمع که این همه عاشق سینه‌چاک دارد چگونه جایی است! از همه جالب‌تر آن که وقتی به آقایان می‌گفتم: ای عزیزان! فدوی اعصاب قلم کرده‌ام! باورش‌ان نمی‌شد و می‌گفتند: شما و ترک «زندگی نو» از محالات است. هر کس این مطلب را گفته اشتباه کرده، این نوع شایعه پرانکی‌ها کار افراد مغرض هم‌چون «بادصبا» است! هرگز قبول نکن و به قول خواجه شیراز عمل نما که فرموده است:

«گره به باد مزین گرچه بر مراد وزد
که این سخن به مثل مور با سلیمان گفت»

از سوی دیگر همه روزه نامه و تلفن و تلگراف بود که به نثر و نظم از تهران می‌رسید و خلاصه آن که، عطاخان! هر چه زودتر برگرد که بیش از این تحمل دوری تو را نداریم! که اشک در چشم‌مان حلقه زد و به ناچار نغمه عزیمت به اقامت غالب شده، نیمه‌های شب بدون اطلاع به همراه اهل و عیال عازم تهران شدم!

و این بار هم «باد» مزده بازگشتم را به تهران، زودتر از خودم به مشتاقان شهر دود به‌خصوص کسبه طلبکار زیر بازارچه رسانید! لذا دوستان صمیمی آقا کمال و آقا جمال و نصراله خان، گروه بی‌شماری از همکاران بازنشسته را که مشتاق مطالب عطا هستند به پیش انداخته تا حوالی بازارچه به استقبال فدوی آمدند و باز هم گلو و شتری بود که به زمین زده شد و البته گوشت آن‌ها را «پهلپوون حسن قصاب» به اهالی محل فروخت!

القصه اهالی محل فدوی را قلمدوش کرده دسته گلی به چه بزرگی به‌گردنم آویختند و چون یک قهرمان پیروز و با سوت بلبلی و تشویق بی‌سابقه تا منزل همراهی کردند و از قضای سوء درست در جلوی در خانه از کول

جدول و سرگرمی

افقی:

۲- از نشریات بین‌المللی اقتصادی که بخشی از آن به اخبار نفتی اختصاص دارد - وسیله کشیدن دایره ۳- پشیمانی - ثلاثه‌اش در مصر است ۴- مجتمع پتروشیمی در بندر امام - تازه و نو ۵- شهری در استان یزد - جمع این به معنی پسران ۶- «با» در زبان تازی - مخفف آتش - درخت زبان گنجشک - عزیز عرب ۷- همان پیروز و کامیاب است - قوه و باطری ۸- زائران - پیشوا و هدایت کننده ۹- جانوری افسانه‌ای و موهوم شبیه انسان - درجه‌ها ۱۰- به وهم درآمده - دریاچه‌ای در حمام ۱۱- حالت‌هایی مانند درد شدید در پشت و پهلوها، وجود خون در ادرار و احساس سوزش حین ادرار علائم ناشی از این عارضه است.

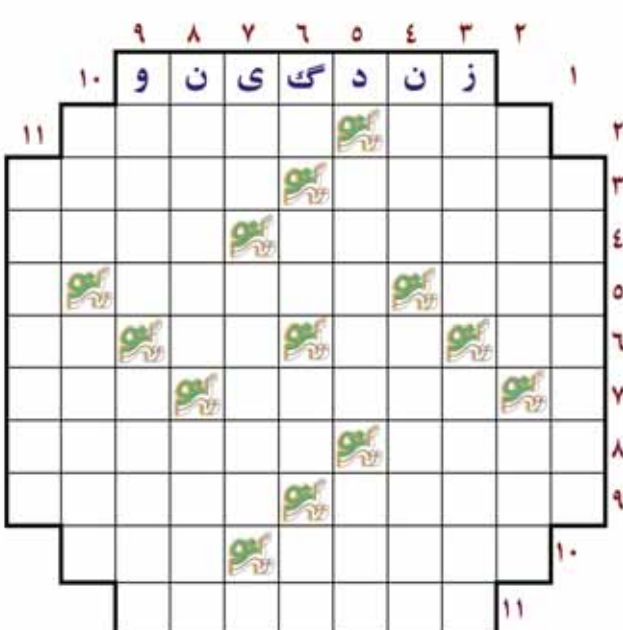
عمودی:

۱- همان نفت خام است ۲- دفاع کننده از کسی - داغ کردن و علامت گذاشتن ۳- تشرف به بقاع متبرکه - روشنی‌بخش قدیمی ۴- ندیم‌ها - از مصالح ساختمانی ۵- بشارت دادن به یکدیگر - عزا و ماتم - گفت و گوی خودمانی - تیر پیکاندار - طرف و جهت - نیزه کوچک ۷- چین و چروک پوست - تازه متولد شده ۸- مراقب و نگهدارنده - اهل هرات ۹- هست در لفظ آذری - از اعداد دو رقمی ۱۰- عقیده و نظر - عقیده داشتن ۱۱- چندین معامله

حل جدول شماره قبل

افقی: ۲- را کفلر - حل ۳- مبل - نه - پیام ۴- ا- و- محل - کا ۵- لا- مهیا- ابل ۶- آجیل مشکل‌گشا ۷- متد- تهمت- تر ۸- آن- باب- هم- ی- لا- بد- ها- عبا ۱۰- بر- تانباک ۱۱- قرارداد.

طراح جدول: اکبر علیزاده اعتمادی ۱۳۲۲



خبر

تبریک انتصاب

هیأت مدیره، بازرسان و اعضای کانون‌های بازنشستگان اصفهان و آذربایجان شرقی طی نوشتاری انتصاب آقای مهندس احمد وحیددستجردی را به سمت رییس هیأت رییسه صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت تبریک گفته است.

کانون بازنشستگان استان فارس نیز طی نوشتاری انتصاب مهندس احمد وحیددستجردی را به سمت رییس هیأت رییسه صندوق‌های بازنشستگی تبریک گفته است. کانون مذکور در این نوشتار همچنین خدمات دکتر علی احمدی را طی دوران مسؤلیت در این سمت، مورد قدردانی قرار داده است.

□ اعضا و هیأت مدیره کانون بازنشستگان صنعت نفت آذربایجان شرقی انتصاب آقای عباس فراست را به سمت معاون امور مالی و پشتیبانی صندوق‌های بازنشستگی تبریک گفته‌اند.

انتصاب

به موجب حکم صادره از جانب مدیر امور رفاه و دفاتر نمایندگی، خانم مرضیه حسینی به سمت سرپرست دفتر نمایندگی همدان منصوب شد. در حکم صادره همچنین از خدمات آقای شاملو رییس پیشین این دفتر قدردانی شده است.

ارسال کارت تبریک سالروز تولد

دفتر نمایندگی کرج طی سه ماهه پاییز ۹۰، تعداد ۲۲۰ قطعه، دفتر نمایندگی شاهین شهر در آذرماه تعداد ۵۰ قطعه و دفتر نمایندگی امیدیه تعداد ۴۳ قطعه کارت تبریک سالروز تولد همراه با شاخه‌های گل برای بازنشستگان ارسال داشته‌اند.

تسلیمت

■ رؤسای حوزه‌های صندوق بازنشستگی، رؤسای دفاتر نمایندگی و کارکنان دفاتر در سراسر کشور، مصیبت وارده را به جناب آقای خدادوست رییس محترم حوزه تهران صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ اعضای هیأت مدیره و بازرسان کانون بازنشستگان استان فارس مصیبت وارده را به همکاران گرامی بازنشسته آقایان عباس و محمود رسولی صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ کارکنان نشریه «زندگی نو» مصیبت وارده را به جناب آقای خدادوست صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ اعضای انجمن بازنشستگان پتروشیمی آبادان، مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی آقای نبی... زمانی صمیمانه تسلیم می‌گویند.

■ کارکنان نشریه «زندگی نو» مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی آقای دلفانی صمیمانه تسلیم می‌گویند.

سیاسگزار

■ آقای علی اصغر خدادوست رییس حوزه تهران از تمامی همکاران و دوستانی که در مصیبت وارده ضمن حضور یا با ارسال پیام تسلیت، با ایشان ابراز همدردی کرده‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید.

■ همکار بازنشسته آقای محرمعلی صلواتی زاده از تمامی دوستان و همکارانی که در مصیبت وارده با ایشان ابراز همدردی کرده‌اند سپاسگزاری می‌کند.

■ آقای سیدجعفر لامع از کلیه دوستان و همکارانی که در مصیبت وارده با ایشان ابراز همدردی کرده‌اند سپاسگزاری می‌نماید.

گرامی داشت دهه مبارک فجر

با فرا رسیدن دهه پر فروغ فجر و سی و سومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و همچنین آغاز هفته پر برکت وحدت، میلاد خاتم انبیاء حضرت محمد(ص) و میلاد با سعادت امام جعفر صادق(ع)، دفتر حوزه جنوب غربی و نمایندگی شیراز با چراغانی و آذین‌بندی و نصب پرچم به استقبال بهار انقلاب اسلامی رفت و به همین مناسبت طی مراسمی در دو نوبت از بازنشستگان تحت پوشش این حوزه پذیرایی به عمل آورد.

به همین مناسبت مراسمی ویژه در دفتر نمایندگی شاهین‌شهر و کانون بازنشستگان فارس نیز برگزار شد. در این مراسم که با برنامه‌های متنوع و پذیرایی همراه بود، جمع کثیری از بازنشستگان و خانواده‌های آنان حضور داشتند. همچنین کارکنان دفتر نمایندگی امیدیه نیز همراه با جمعی از بازنشستگان ضمن شرکت در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن، حضور پرشور خود را در این مراسم به نمایش گذاشتند.

تور گردشگری کانون اصفهان

جمعی از بازنشستگان ساکن اصفهان به یک تور گردشگری هشت روزه خارج از کشور اعزام شدند. به گزارش کانون بازنشستگان اصفهان در جریان این تور که با شرکت ۳۴ تن از بازنشستگان و خانواده‌های آنان به سرپرستی آقای مشکلائی برگزار شد، شرکت کنندگان از شهرهای دهلی جدید و قدیم، اکرا و جیبور در کشور هند دیدار کردند. بر پایه این گزارش، همچنین طی برنامه‌های دیگر، ۳۶ تن از بازنشستگان اصفهانی و خانواده‌هایشان از ابله تاریخی شهرستان یزد بازدید کردند. این برنامه به سرپرستی آقای توانایی برگزار شد.

گشت یک روزه زیارتی سیاحتی در کرمان

بازنشستگان کرمانی طی برنامه‌های یک روزه، به گشت زیارتی و سیاحتی رفتند. به گزارش دفتر نمایندگی کرمان طی این برنامه، بازنشستگان به زیارت مقبره متبرکه شاهزاده حسین جویبار و مقبره شاه نعمت... ولی ماهان شتافتند و از باغ شاهزاده ماهان دیدار کردند. اجرای مسابقه ویژه دهه فجر و اهدای جوایز، بازدید از مجتمع پدیده کویر، بازدید از نمایشگاه گل و گیاه و نمایشگاه صنایع دستی بیماران خاص از دیگر برنامه‌های این گشت یک روزه بود.

فعالیت‌های فرهنگی در ساری

به منظور حفظ ارزش‌های فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی و به ویژه پرورش استعدادها و فرزندان و بازماندگان خانواده بازنشسته صنعت نفت، برای اولین بار نمایشگاه آثار هنری و فرهنگی فرزندان بازنشسته در استان مازندران به مدت ۱۰ روز در دفتر مرکزی حوزه ۷ در ساری برگزار گردید. به گزارش دفتر نمایندگی ساری، این دفتر در صدد است با تشکیل کمیته فرهنگی از فرزندان که دارای استعدادها و هنری در بخش‌های مختلف فرهنگی هستند، طی دوره‌هایی چهار ماهه نسبت به استمرار این گونه فعالیت‌ها اقدام کند.

انتخاب هیأت مدیره کانون بازنشستگان خراسان رضوی

به دنبال تأسیس کانون بازنشستگان استان خراسان رضوی، اعضای هیأت مدیره و بازرسان این کانون انتخاب شدند. افراد منتخب عبارتند از آقایان: سیدعباس نعمتی، عبدالرسول غلامی، علی‌رضا علمی اول، خسرو ایلخانی، عبدالله رجب فردی به عنوان اعضای اصلی، آقایان غلامعلی خمیری، علی‌آباد و حسن مدیریان اعضای

علی‌البدل، آقای سید کاظم موسوی، بازرسان اصلی و آقای حسن گل‌مکانی بازرسان علی‌البدل. هیأت مدیره کانون بازنشستگان تهران طی نامه‌ای ضمن اعلام این خبر، تأسیس کانون استان خراسان رضوی و انتخاب اعضای هیأت مدیره این کانون را تبریک گفته و برای آنان موفقیت آرزو کرده است.

تور گردشگری در کیش

جمعی از بازنشستگان تهرانی به یک تور گردشگری در جزیره کیش اعزام شدند. به گزارش کانون بازنشستگان تهران، در این تور که به مدت سه شب و چهار روز به طول انجامید، ۴۵ تن از اعضای کانون و خانواده‌های آنان حضور داشتند.

معرفی آینده‌سازان ممتاز

کتاب ویژه معرفی آینده‌سازان ممتاز (فرزندان بازنشستگان) منتشر شد. در این مجموعه که به کوشش حوزه تهران صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان منتشر شده است، عکس، اسامی و مشخصات دانش‌آموزان و دانشجویان مقاطع تحصیلی، از ابتدایی تا دکتری درج شده است.

آموزش در زائر سرا

در ادامه برنامه‌های آموزشی در مجموعه زائرسرای مشهد مقدس یک دوره کلاس آموزش تحت عنوان (خانواده موفق) با حضور استاد دانشگاه دکترینی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی زائرسرای مشهد این کلاس‌ها در سه نوبت و در تاریخ‌های ۸، ۱۵ و ۲۴ بهمن ماه با حضور همکاران و خانواده‌هایشان برگزار شد.

ورزش در خانواده بازنشستگان

صعود به قله دارآباد

گروه کوهنوردی کانون بازنشستگان تهران در ادامه برنامه‌های سال جاری خود به قله دارآباد تهران صعود کرد. اعضای این گروه عبارت بودند از: خانم حبیب‌اله و آقایان: خلیل امینیان (سرپرست)، مهدی فقاہتی، خسرو گلی‌پور، مسعود لنکرانی، علی اسدی، طهمورث نوایی، زینال رضاپور، علی ورزیده کار، رضا طوسی، سیدابراهیم مصطفوی، محمدعلی تاجداری، علی رضایی، بهرام صفوی، امراله کاظمی، سعید نوران، غلام‌علی رفیعی، عباسی و علی اصغر نوری.

کسب عنوان در تنیس روی میز

ندا جمشیدی فرزند همکار بازنشسته خانم سهیلا جزایری عرب در مسابقات تنیس روی میز منطقه ۶ تهران مقام اول تیمی و در بازی‌های انفرادی استان تهران مقام سوم را کسب کرد.

نایب قهرمان ایتبال

حکیمه فرخ‌نژاد فرزند همکار بازنشسته آقای فرخ‌نژاد عنوان نایب قهرمانی را در مسابقات ایتبال کسب کرد. به گزارش دفتر نمایندگی اصفهان، وی این عنوان را در مسابقات قهرمانی ایتبال بانوان

استان اصفهان به دست آورد.

کوهنوردی در قله پرآو

کوهنوردان عضو دفتر نمایندگی کرمانشاه طی برنامه‌ای دو روزه به قله‌های ۳ هزار متری شنل و سه کل صعود کردند. به گزارش دفتر مذکور شرکت کنندگان در این برنامه عبارت بودند از آقایان: داریوش قنبری، محمدعلی زیدی، عبدالعلی جلیلیان، کاظم بسیج، عباس تنه‌هشلی، براخاص نظری، محمدحسن رحیمی، شمس... چقامیرزایی، جوان شیر نوری باغنی و محمدرضا دهنوی.

بازنشستگان آذربایجان شرقی

بر فراز قله «پیر موسی»

گروه کوهنوردی کانون بازنشستگان استان آذربایجان شرقی به قله پیرموسی در اطراف شهر تبریز صعود کردند. به گزارش کانون بازنشستگان این استان شرکت کنندگان در صعود مذکور که به سرپرستی آقای روانسر انجام پذیرفت، عبارت بودند از آقایان: اسماعیل جعفری، حبیب صداقت‌نیا، جواد فرش‌باف، علی‌اکبر قویلد، عبدالجبار بصیر، محمدباقر باقرزاده، محمد صادقی، اسرافیل فروتن، قاسم مهمازی، مجید ریخته‌گران، شکرعلی سلیمانی و غلامعلی حسینی مندو.

انالله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر هرمز قلاوند

مدیرعامل محترم شرکت ملی مناطق نفت‌خیز و عضو اصلی هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران با نهایت تأثر و تأسف درگذشت پدر گرامی‌تان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمایم. از درگاه خداوند متعال برای آن شادروان آمرزش و علو درجات و برای آن برادر ارجمند و بازماندگان محترم صبر و سلامت آرزو نمودم.

احمدوحید دستجردی

بازگشت همه به سوی اوست

جناب آقای دکتر هرمز قلاوند

مدیرعامل محترم شرکت ملی مناطق نفت‌خیز و عضو اصلی هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران با تأثر و اندوه فراوان درگذشت پدر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمایم. از درگاه پروردگار بزرگ برای آن فقید سعید آمرزش الهی و برای آن برادر ارجمند و بازماندگان صبر و سلامت مسألت داریم.

صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت